

راه سعادت ایران

بقلم

علی محمد خزایی

حق چاپ محفوظ

بها ۲۵ ریال



راه سعادت ایران

این رساله که اثر چندین سال مطالعه و تجربه
آقای علی محمد خراغی به پیشگاه بندگان
اعلی حضرت همایونی تقدیم شده است



مقدمه

سنگهای کلاه بر عظمت ایران یکی پس از دیگری میریزد ، انحطاط اخلاقی و اجتماعی بدرجه موحشی میرسد ، فقر و سیه روزی و ستمگری ، بیکاری و دزدی و بیماری که همه ناشی از مستی و غفلت قورندان نا خلف این سرزمین است با چنان وضوح و صراحتی توسعه می یابد که اساس استقلال و تمامیت ارضی این کشور را تهدید میکند همه در خواب غفلت فرو رفته اند ، هر کسی بفکر خویش است و هر طبقه ای برای نیل بمقاصد زشت خود به بدیهی ترین حقوق دیگران پشت پا میزند و از ارتکاب موحشترین جنایات باک ندارد کشتی وطن در حال غرق شدن است و سر نشینان آن بجای آنکه در صدد يك اقدام اجتماعی برای نجات کشتی از چنگ اهواج خروشان بر آیند یا بسر و مغز هم میکوبند یا در پی سرقت اثاثیه کشتی میباشند غافل از اینکه هر گاه چند لحظه دیگر کشتی به ته آب فرو رود همه سر نشینان را اعم از ظالم و مظلوم و دزد و عادل باخود بدیار نیستی خواهد بود.

این منظره غم انگیز و این اوضاع ملالت بار برای ایرانیان وطن دوست و با شرف ، ایرانیا نیکه خوب تشخیص میدهند سر انجام این غفلت و خواب خرگوشی چه خواهد بود ، ایرانیانی که نبض ترقی و دنیا را در دست دارند و میدانند ادامه باین وضع تنگین چه

خیانت بزرگی در مقابل نسل آینده ایران است، ایرانیانی که وسعت خطر را تشخیص میدهند، ایرانیانی که هنوز خون پاك اجداد باحمیت و خونشان در عروقشان جاری است بیش از این قابل تحمل نیست و بهمین جهت است که در زیر این خاکسترهای ننگ و تباهی که ایران فرا گرفته است يك اخگر جانبخش شروع به تایدن نموده است که براستی مایه نشاط و قوت دیده‌هر ایرانی و وطن پرست است. این اخگر زیبا دل افروز بدون شبهه طغیان روح همان جوانان حساس و ایرانیان با شرفی است که خوب احساس میکنند کار ایران امروز از کجا خراب است؟ چرا سرزمینی که در هر کیلومتر آن بیش از يك انسان زندگی نمیکند باید در ردیف منحط‌ترین و سیه‌روزترین سرزمین‌های جهان در آید؟ چرا در حالیکه کشورهای نیمه متمدن و نیمه مستقل روز بروز در جاده ترقی و تعالی بالا میروند ایران زبون‌تر و تیره‌روزتر میشود این جوانان حساس و وطن پرست از مشاهده اطلال و حشت انگیزیکه ایران را فرا گرفته است خواب و آرامش ندارند بر خلاف سایر عناصری که زندگی را تنها خوردن و خوابیدن و حد اکثر استفاده از مواهب حیات میدانند شب و روز میکوشند که در حدود توانائی خویش برای نجات ایران از این روزگار تاریک و ظلمانی و از این ننگ و بدنامی چاره‌ای بیندیشند و الحق و الانصاف برخی از آنان بر حسب هوش ذاتی و نبوغ خدا دادی که ویژه ایرانیان است برای رهایی بخشیدن ملیونها تن از برادران و خواهران خویش از این سیه‌روزی و تباهی راههای عملی و سبلی می‌نمایانند که هر گاه اولیای امور روز مامداران

غافل و مغرور ما بدان توجه نمایند بطور قطع مانند آب بازی که در ته دریای پر برکتی فرو رود و در هر گوشه آن با گوهری شاهوار و لؤلؤی گرانبها مواجه شود افکار و اندیشه ها و پیشنهاد های پرارجی توانند یافت که بکار بستن آن ها اگر هم بیدرنك ایران را تبدیل به بهشت برین ننماید دست کم تحولی میمون در اوضاع ایجاد می کند .

یکی از این جوانان فاضل و میهن پرست که در مقابل دورنمای وحشت انگیز اوضاع کنونی ایران سخت متاثر گردیده و سالیان متمادی پیوسته در این فکر بوده است که از چه راه میتوان ایران عزیز را از غرقاب خطر نجات بخشید آقای علی محمد خزاعی است که اینک به سرمایه خود کتاب « برنامه » را پس از مطالعات دقیق و اساسی در معرض استفاده زمامداران این کشور و هم میهنان عزیز خویش گذاشته است . آقای علی محمد خزاعی در این کتاب پس از آنکه با نهایت استادی اوضاع ملالت بار کنونی ایران را تحلیل و تجزیه نموده و همه دردهای بی درمان این کشور را یاد آور شده اند در زمینه فرهنگ و اقتصاد و بهداشت و بازرگانی و کلیه شئون دیگر زندگی ایران پیشنهاد های گرانبها و عملی و مثبتی نموده اند که شك ندارم از بکار بستن آنها نتایج گرانبها میتوان گرفت و حسن ابتکار و اندیشه های ایشان بیشتر از آنجهت است که جنبه عملی دارد و مبتنی بر تجربیات گرانبهائی است که بسیاری از ملت های دیگر گرفته اند . امیدوارم اولیای اموری که هوا خواه حقیقت و افکار بدیع هستند و ایرانیانی که آرزوی استرداد

مجد و عظمت دیرین ایران را در دل می پروراند این رساله گرانهارا چنانکه باید مطالعه نمایند و اندیشه های بدیع آقای علی محمد خزاعی را بکار بندند تا سایر جوانان فاضل ایران نیز در راه خدمت به میهن عزیز خویش و نجات کشتی از دست امواج رعبناکی که آنرا تهدید میکند تحریر و تشویق گردند،

۱۳۳۰ ر ۱۲۵

مشفق همدانی

بنام خداوند متعال

پیش از تمهید مقدمه بدو خداوند راسپاس میگذارم که وجود مقدس شاهنشاه معظم ما را با دست قدرت خود از بلیات هولناک و سختی در مواقع خطر جهت حفظ و حراست کشور باستانی ما محفوظ و نگهداری فرموده و پس از سالیان دراز اکنون ایرانیان را بداشتن چنین شاهنشاه دانشمند و اصلاح طلب و ملت دوستی مفتخر نموده که بنیروی علم و عمل درصدد هستند که اهالی کشور خود را با گامهای بلند و سریع بطرف ترقی و تعالی سوق داده و جمیع طبقات را از نعمت فرهنگ و اقتصاد و بهداشت و امنیت بهترین و جبهی برخوردار سازند و نظر بآنکه اولین و مهمترین شرط و علامت موفقیت هر قومی آنستکه خداوند توانا قائد مقتدر و دانا و مصلحی بآن قوم عطا میفرماید و اینک هم ما را بداشتن چنین پادشاه عظیم الشانی که واجد هر گونه صفات عظیمه و کریمه‌ئی میباشند سعادتمند ساخته بنابر این از دل و جان امید و اتق داریم که برای همیشه

گل دولتش در بهار سعادت

مصون باد از تند باد خزانی

پس از ذکر این مطلب که دیباچه مقاصد عالیه هر فرد وطن

خواهی را تشکیل میدهد اینک جهت توضیح مطالب و عرائض خود

بعنوان تمهید مقدمه بعرض خاکپای اعلیحضرت همایونی میرساند که از آنجا که عظمت مادی و معنوی هر کشور وابستگی تام بنظام زندگانی افراد آن کشور دارد تا در سایه آن هر شخصی بتواند استعداد فطری خود را بمنصه ظهور رساند و بشهادت تاریخ با اینکه ملت باستانی ما از مستعد ترین اقوام و ملل جهان برای کسب عظمت است و قرنهای متمادی اسلاف همین قوم قافله سالار کاروان تمدن گیتی بوده و حتی بطور تحقیق میتوان گفت که محل ظهور آفتاب تمدن بر زمین مقدس ایران بوده که بعدها پرتو انوار آن سایر نقاط را روشن ومنور ساخته است و بعبارۀ آخری متمدنین عالم از مانده افضال و احسان ایرانیان باستان تمتع برده و توانسته اند خود را امروز بعالیترین درجه تمدن برسانند با اینحال آنطور که شایسته و بایسته میباشد بجبهاتی چند در قرون اخیر اخلاف آن قافله سالاران مقامی را که در خور حیثیت ملی ما بوده احراز نکرده و ازواماندگان کاروان تمدن بشری بشمار میآئیم درصورتیکه محقق است افراد این ملت استعداد فطری خود را بهیچوجه از دست نداده و در کمون ذات هر يك استعداد هرگونه ترقی و تعالی مانند گوهی که در دل سنگی نهفته مخفی گردیده نهایت اینکه بعللی که برای شرح آنها باید دفتر ها بکار رود در قرون اخیر پادشاهان و زمامداران که پیشوایان حقیقی اقوام و ملل هستند و باید آنها بنیروی اقتداریکه در دست دارند طبقات کشور ها را از گرداب جهل و فقر نجات دهند در کشور ما اکثر پادشاهان وزمامداران گذشته بوظیفه خود عمل نکرده و زمینه را برای ابراز استعداد فطری افراد

ملت فراهم نساخته‌اند و با اینکه اکثر آنان وقت کافی و زمان مساعد جهت احیاء مدنیت و ترقی ایرانیان داشته و حتی برخی از آن شهریاران مقتدر بعلا طول مدت سلطنت ذوالقرنین بودن خود را نقش سکه رایج مملکت مینمودند و میتوانستند با تدوین و اجراء قوانین مفیده ملت خود را از گرداب جهل و فقر نجات داده و آنها را باوج عزت و ترقی و فلك سروری برسانند معذالك نه تنها اینکار را نکردند بلکه بسیاری از آنان درست عکس وظیفه وطن دوستی و ملت خواهی رفتار نموده و ملت خود را در ورطه بد بختی غریق تر ساختند و بهمین جهت استعداد فطری و لیاقت ذاتی مردمان ما تا بحال مجال بروز و ظهور نیافته و مانند ستاره فروزانی که در پس ابر های تیره و تار قرار گرفته باشد استعداد و هوش ایرانی هم در پشت ابر های تیره و تار و بدبختی و جهالت و فقر قرار گرفته و هیچ تردیدی نیست که اگر اشخاص مقتدر و عالی همتی افراد این قوم را طبق برنامه منظم و مفیدی بشاهراه ترقی و سعادت راه بری نمایند و ابر های قیرگون جهالت و فقر از جلو استعداد ذاتی آنان برکنار شود بر اثر هوش سرشاری که ایرانی دارا است و با منابع ثروتیکه در این کشور موجود است باز کشور مادر در عالم سیادت اولیه خود را بدست خواهد آورد و بسی جای خوشبختی است که بحکم اصل کلی طبیعت که از پس هر شدتی فرجی است بعد از آنهمه بلایا و مصائب که تحمل آن ملت ستمدیده ایران را دچار این مقدار جهل و فقر و آشفته سامانی نموده خداوند مهربان زمام امور ایرانیان را پس از اعلیحضرت فقید پهلوی اول که الحق در

احیاء ایران زحمت فراوانی کشیده و منت عظیمی بر همه ایرانیان دارند بدست شاهنشاهی رموف و دانشمند و مصلح سپرده که علاوه بر اینکه شب و روز در اندیشه جبران مافات و رساندن کشور خود بسر حد ترقی و تعالی و تجدید دوره مجد و عظمت پیشین آنست اساساً سلطنت بر مردم فقیر و جاهل را افتخاری ندانسته و همواره در عبارات کهربار خود صریحاً متذکر شده اند که (من سلطنت بر مستی مردم فقیر را افتخاری نمیدانم) و بحمداله آنچه که از گفتار و کردار اعلیحضرت همایونی از زمانیکه اورنگ شاهی ایران بوجود مسعودش زیب و زینت گرفته تا کنون مسموع و مشهود گردیده جز دستورات مفیده برای اصلاح جامعه ایرانی و مبارزه با جهل و فقر چیزی که مخالف باصلاح مردم باشد از آن شهریار توانا دیده نشده است ولی با وجود اینهمه علاقه فراوان که ذات ملوکانه بترقی و تعالی کشور خویش دارند بواسطه اینکه از طرفی سلطنت معظم له در اینمدت مصادف با حوادث جنگ جهانی و مشکلات پایان جنگ گردیده که هنوز هم اثرات شوم آن کاملاً مرتفع نگردیده و بنابر این ذات اقدس شهرباری فرصتی بدست نیاورده اند که منویات اصلاحی خود را از هر جهت عملی سازند و از طرف دیگر کسانی را که هم مامور اصلاح امور کشور فرموده اند آنها شخصاً و بطور مستقیم با افراد زحمتکش و محروم که غالباً در زوایای گمنامی و درخارج از مرکز بسر میبرند تماس نگرفته و آشنائی ندارند که درد های زندگی آنان را مشاهده و سپس درمان را باقتضاء درد تعیین نمایند علیهذا منویات ملوکانه تاکنون جامه عمل نبوشیده و مردم

از ورطه زندگانی پرمشقت و سرسام آور نجات پیدانکرده اند بخصوص که برخی از کسانی که از طرف ذات ملوکانه مأمور باصلاح امور کشور شده بودند بواسطه سوء تدبیر خود بر درد های زندگانی و نقائص اجتماعی ایرانیان افزودند و خاطر خطیر شهر یاری را آزرده و افسرده ساختند و بنا بر علل مذکوره چون ادامه این اوضاع بهیچوجه قابل تحمل نبوده و قلب هر فرد وطنخواهی را متالم میسازد از اینجهت جان نثار که يك فرد شاه دوست ایرانی و از ساکنین ناحیه غرب مملکت هستم و علاقه وطنخواهی خود را بحد کمال میدانم نظر بمشاهده همین علاقه شدید شاهنشاه معظم که با تائر و بیتابی فراوان تصمیم بترقی و تعالی ایران گرفته و میخواهند ملت خود را از غرقاب جهل و فقر و بد بختی نجات بدهند و نظر بمشاهده اشتباه برخی از رجال مسئول که اشتباه آنها برای ملت و دولت بسیار گران تمام شده و نیز نظر بدیدن مناظر دلخراش زندگانی هموطنان عزیز که هر بیننده حساسی را متأثر میسازد وظیفه خود دانسته که برای اجرای منویات اعلیحضرت شهر یاری که عبارت از بسط عدالت و رفاه و آسایش هموطنان عزیز است طرقی را باز نمایم که از هر جهت در دنیای قدیم و جدید بیسابقه بوده و به نیکوترین وجهی منویات خاطر همایونی را عملی سازد زیرا جان نثار علاوه بر آنکه از بدو طفولیت در میانه آنگونه مردمان که از داشتن هرگونه نعمتی محرومند نشو و نما نموده و در حقیقت خودم یکی از صاحب درد ها بوده ام از چند سال پیش باینطرف برای یافتن يك راه بسیار ساده ای که با سریعترین وقتی ریشه مفاسد داخلی را قطع نموده

و بهتر و زود تر عا را بسر منزل مقصود برساند دقیقاً ببناء تحقیق و بررسی در وضع معیشت هم میهنان عزیز را گذارده و پس از مشاهدات و تجربیاتی که در امور کلیه طبقات از زارع و مالک و کارگر و کارفرما و بازرگان و پیشه ور هم چنین پس از تحقیقاتی که در امور تشکیل وزارتخانه های عریض و طویل و شعب تابعه آنها نموده و درد های اجتماعی و نواقص کار و سختی معیشت مردم و بدی تشکیلات را تا حدود لازم درک کرده ام باین نتیجه رسیده ام که بایستی برای رفع کلیه فساد های داخلی و تعمیم فرهنگ و بهداشت و حل مشکلات اقتصادی و ایجاد امنیت کامل در سراسر کشور بوسیله ایجاد یک شرکت سهامی عمومی که بنظارت شاهنشاه معظم و هیئت دولت و مجلس یا مجلسین ایران آن شرکت زمام امور اقتصادیات کشور را بطوری که بعداً معروض خواهم داشت در دست بگیرد تغییر و تحول عظیمی که مبتنی بر اصول صحیحی باشد در ارکان تشکیلات دولت و کلیه شئون زندگانی ملت ایجاد شود که بتوانیم بنیروی آن تغییر و تحول صحیح در اندك زمانی مجد و عظمت دیرین خود را بدست آورده و در ردیف ملل راقیه عالم در آئیم و چون نقائص بسیار و بدبختیهای بیشماری در امور زندگانی ما موجود است که تنظیم کنندگان برنامه های دیگر بعات عدم تماس با کلیه طبقات بفوائد تاسیس چنین شرکتی که بهترین وسیله بهبود زندگی و کامیابی ماست واقف نگردیده اند که برنامه های اصلاحی خود را در این زمینه تنظیم و تدوین نمایند و رویهم رفته طرقي را اختیار کرده اند که با سرعت و سهولت مردم محروم و بد بخت را راضی و دل گرم

نموده و مانند این پروژه موجب ترقی دولت و رفاه ملت نخواهد شد برای اینکه مدت مدیدی وقت و سرمایه ایرانی تلف نشود که پس از آن علل اصلی بدبختیها و محرومیتها و ریشه مفاسد هم چنان بحال خود بماند لذا فدوی با خلوص نیت فراوان موادی را در زمینه تشکیل شرکت مزبور و غیره برای اصلاح کلیه فساد های داخلی و تأمین سعادت ملی و نجات کشور از گزند حوادث جهان تدوین نموده و اینک آنرا ضمن گزارشی که در آن از اوضاع و احوال کلیه طبقات ملت و تشکیلات دولت بطریق اجمال بحث میشود به پیشگاه ملوکانه تقدیم میدارم و امیدوارم که در این موقع حساس که از طرفی طوفان سهمگینی از دریای سیاست جهان برخاسته و امواج آن کشتی زندگانی بسیاری از ملل و اقوام را تهدید بنفا و نیستی مینماید و از طرفی دیگر روح وحدت و یگانگی ما بر اثر عدم رشد فرهنگی و پریشانی وضع مالی و اقتصادی و محرومیت از بهداشت صحیح و بالاخره در نتیجه عدم امنیت داخلی که بصور مختلف جلوه گر شده از میان رفته است بر اثر اجراء مواد مزبور که مسلمایگانه راه سعادت ما است اساس جهل و فقر از این مرزو بوم ریشه کن گردد و کشور کهنسال ما را تند باد حوادث نتواند از جای بیرد زیرا بعقیده فدوی با اوضاع و احوال بدی که در جهان بشریت بوجود آمده و روح وحدت ملی ما هم بر اثر بی اعتدالیها و بی نظمی ها و تجاوزات فزون از شمار نسبت بیکدیگر از میان رفته و ننگ و دزدی و رشوه خواری و بیعلاقگی بوطن گریبانگیر بیشتر افراد ما گشته و بین کلیه طبقات و حتی افراد کشور جدائی افتاده است برنامه‌ی برای کشور

ما امروزه میتواند مفید واقع شود که اولاً اثر سریعی در بهبود وضع معیشت مردم داشته و همه را بدولت و دستگاههای دولتی خوشبین و امیدوار سازد. ثانیاً دولت و ملت را در کلیه منابع و محصولات ایران به نسبت سرمایه‌ای که هر يك دارا هستند مشترك المنافع نموده و همه ایرانیان را بطور صحیحی نسبت بآب و خاک خویش علاقمند سازد. ثالثاً تمام سرمایه‌های را کدرا بچریان انداخته و استعداد و انرژی هر فردی را در کارهای تولیدی بحسد کمال ظاهر نماید. رابعاً از تعداد کارمندان دولت و کثرت ادارات بی نتیجه که سنگینی هزینه آنها کمر ملت را خم نموده بمیزان قابل توجهی کم نموده کارمندان دولت را بامور بهتری مشغول کار سازد. خامساً دهات کشور را که از طرفی مولد میکروب‌ات مضره و امراض مختلفه میباشد و از طرف دیگر به جهت قلت جمعیت قابلیت تاسیس موسسات فرهنگی و بهداشتی را ندارند تغییر داده و بجای آنها دهاتی را بوجود آورد که اولاً ساختمان آنها از هر حیث با اصول فنی و بهداشتی تطبیق نموده و ثانیاً از لحاظ کثرت جمعیت هم بتوان موسسات فرهنگی و بهداشتی را در آنها تاسیس و برقرار نمود سادساً جمعیت کثیر شهرها را که بیشتر آنان بر اثر بیکاری غرق دریای فساد میباشد از شهرها خارج نموده و آنها را در مزارع و معادن کشور بکارهای تولیدی مشغول سازد سابعاً نظامی در امور فرهنگی و اقتصاد و بهداشت و امنیت ما بوجود آورد که موجبات ترقی و تعالی و سربلندی قوم ایران را از هر حیث در جهان فراهم کند و بطوریکه بنظر بندگان اعلی حضرت همایونی میرسد موادی را که فدوی برای تشکیل

و تاسیس يك شركت سهامی عمومی تدوین نموده‌ام طوری با رعایت اطراف و جوانب امور آنرا تنظیم نموده‌ام که در صورت اجرا آن بجهت انتظام کاملی که در امور فرهنگی و اقتصاد و بهداشت و امنیت مالی ایجاد خواهد نمود تمام این امور و امور لازمه دیگر بهترین وجهی عملی گردیده و در اندك زمانی فوائد آن متناسب ثروت و لیقت هر يك از افراد ما بمردم کشور عاید خواهد شد و راه را برای ترقیات و تهیه ثروت افراد باز خواهد نمود و در واقع بدون اینکه سلب منافع از کسی بشود یا باستقلال و حاکمیت ما لطمه وارد آید یا اینکه مجبور شویم از کشورهای دیگر برای خرید کارخانجات و ماشین آلات لازمه و استخراج معادن و عمران و آبادی سرزمین خود قرضه بگیریم و یا محتاج بداشتن بسیاری از وزارتخانه‌ها و ادارات بی نتیجه دیگر که موجب اتلاف وقت و سرگردانی مردم گردیده و هزینه تشکیلات آنها ملت را ناتوان نموده است بشوید بر اثر اجراء این مواد تمام مشکلات زندگانی و فسادهای داخلی ما از میان برداشته میشود و عالمی بوجود خواهد آمد که جز خوش بینی و امیدواری مردم از دولت و محبت و تعاون افراد نسبت بیکدیگر و تهیه زمینه برای بروز استعدادات مختلفه ارباب حرف و صنایع و همچنین ایجاد کار برای کلیه طبقات از عالی و دانی و تولید ثروت عمومی که بنیان قدرت دولت را مستحکم خواهد نمود در آن چیزی مشاهده نمیشود که بضرر ایران و ایرانی تمام شود .

با اینحال چون یقین قطعی داریم که اجراء این نقشه از هر جهت

بصلاح کشور است و سد سیدی در مقابل سیل حوادث خارجی و داخلی ایجاد خواهد نمود استدعا دارم که شاهنشاه محبوب و دل آگاه ما پس از مطالعه مواد آتی امر و مقرر فرمایند که هیئت دولت و رجال خیر کشور توجه دقیق بآنها نموده و بررسی کامل در محسنات و منافع هر يك از آن مواد بنمایند تا جهات خوبی و امتیاز این برنامه بر برنامه های دیگر معلوم و هویدا شود و در این صورت چون اعلیحضرت همایونی ترقی و تعالی ملت خود را مقدم بر هر امر دیگر خواهان هستند میتوانم امیدوار باشم که نیت خیر خواهانه ام که بمنظور اجراء منویات شاهانه بوده حتما جامه عمل خواهد پوشید و هموطنان عزیز در نتیجه اجراء این برنامه روی سعادت و نیک بختی را هر چه زودتر خواهند دید .

بنابر این اینك بتقدیم اصل گزارش تنظیمی که بمنظور تائید مواد پیشنهادی و لزوم نقشه اصلاحی خودر چهار فصل نگاشته گردیده و در هر يك از آن فصول خرابی دستگاه ها و اوضاع ما تا حدی بیان میشود پرداخته آن را جدا گانه از نظر مهر اثر ملوکانه روحی فداه میگذرانم .

فرهنگ

با اینکه اساس فرهنگ ایجادکننده عالم انسانیت است و آدمی در صورت کسب دانش و عمل بآن لوح ذهنش منور گردیده و از ورطه حیوانیت بیرون آمده بجاده انسانیت قدم میگذارد و تمام مردم دنیا کم و بیش باین اصل مسلم پی برده اند معذالك جای بسی تاسف است که در دستگاہهای فرهنگی و تعلیم و تربیت ما نقائص بسیاری موجود میباشد که رشد اجتماعی افراد این کشور را متوقف ساخته است و چون نمیخواهد يك يك از نقائص دستگاہهای فرهنگی را مشروحاً ذکر نماید فلذا بذکر چند نقیصه کلی که موجب از کار افتادن چرخ فرهنگ و تعلیم و تربیت ما است میپردازد :

۱ - مدارس ما در قرن اخیر از لحاظ اخلاقی که روح عظمت و اعتلاء هر ملتی وابسته بدانست بسیار کم بشاگردان کمک کرده و در نتیجه افرادی را که بیرون داده اکثر بر اثر خود خواهی و خودپرستی منافع جامعه را بهیچوجه در نظر نمیگیرند و بجز عده قلیلی که بواسطه تربیت خانوادگی مردمی هستند که تاحدی زندگانی خود را از زندگانی جامعه جدا نمیدانند بقیه در قید خود پرستی چنان گرفتارند که بجز فساد اخلاق و جمع مال از هر طریقی که میسر گردد فکری ندارند و اغلب کرداری که بنفع جامعه باشد از آنها بعرصه ظهور نمیرسد و اگر

کسی اعتراض کند و بگوید انحطاط اخلاقی شاگردان معلول تربیت ناقص مدارس نیست بلکه مدارس کمک و افری باخلاق نیک شاگردان نموده و مینماید نهایت اینکه محیط فاسد خارج مدرسه در روحیات آنها موثر واقع شده و اخلاق ذمیمه را در مغز شاگردان جای میدهد در پاسخ این اعتراض میگوئیم بسا ممکن است اینطور باشد ولی اگر تعلیم و تربیت در مدارس ما طبق اصول صحیحی بر وفق مبادی اخلاقی کاملی بشاگردان گوشزد شود که اخلاق حسنه در وجود آنها ملکه گردد فساد جامعه در آنها موثر نخواهد گردید و اساساً منظور از تعلیم و تربیت هم همین است که اشخاص تعلیم دیده و تربیت شده بتوانند موثر در محیط شده و محیط را برنك خود در آورند و گرنه هرگاه آنها برنك محیط در آیند چه فزقی خواهد بود میان کسانی که دوره پر مشقت تحصیلی را طی مینمایند با آنهایی که اساساً کسب دانشی ننموده و حتی قادر بامضاء و نوشتن اسم خود نیستند.

۲ - اساس تعلیم مادر مدارس چندان توام با عمل نیست و برخلاف کشور های مترقی عالم که علم را با عمل همیشه توام ساخته و در هر قسمتی از علوم مخصوصاً فیزیک و شیمی و طب و هندسه و کشاورزی و امثال اینها با تجربیات حسی شاگردانرا با علوم و فنون آشنا میسازند و عملاً بآنها خواص اجسام و سایر قسمتهای علمی را تعلیم میدهند در کشور ما علم را کمتر با عمل توام ساخته و در هر قسمتی که شاگردان در صورتیکه درست تحصیل نمایند فقط مقداری فورمولها و تئوریهایی فرا میگیرند که تازه پس از طی دوران تحصیلی مدت مدیدی باید سرو

کار با عمل داشته باشند تا تحصیل آنها اندکی بحال جامعه مفید واقع شود.

۳ - کم داشتن آموزگاران لایق و وطنخواه است که البته این موضوع هم تأثیر عمیقی در بشون فرهنگی ما دارد چه آموزگار خوب و وطنخواه از جمله شرایط مهم تعلیم و تعلم است زیرا یکی از سه رکن تفهیم و تفهم وجود آموزگار میباشد و آن سه رکن عبارت از آموزگار شاگرد و موضوع تعلیم است که بدون یکی از این سه رکن نمیتوان موضوع تعلیم و تحصیل را تصور نمود :

۴ - وضع مکانهای تحصیلی فرزندان کشور میباشد که بیشتر امکنهائی را که در شهرستانها و مخصوصا در قصبات و قراء فرهنگ ما در اختیار دارد بقدری فاقد اصول بهداشت است که میتوان گفت از هر حیث مولد امراض و میکروبهای مضر و خطرناک میباشد و بدیهی است هنگامی میتوان علم را در مغز و ذهن شاگردان منقش نمود که بدنهای آنها در نتیجه صحت مزاج دارای مغز سالمی باشد.

۵ - نقص برنامه فرهنگی ما است که بهیچوجه مطابق با بشون اجتماعی و احتیاجات کنونی کشور نبوده و دانش آموزان هنگامی که باخذ دانشنامه نائل میشوند بقدری در امور زندگانی سرگردان میمانند که مجبورند برای رفع احتیاجات معیشت خود متوجه میزهای ادارات دولتی شوند و بهر وسیلهائی هست سربار کارمندان دیگر دولت کردند چه تحصیلات آنان مبتنی بر تعلم یکی از حرف و صنایع نبوده که بتوانند بامور دیگری اشتغال نمایند.

۶- عدم بسط فرهنگ است که لااقل هشتاد درصد مردمان کشور ما حتی از خواندن و نوشتن هم محرومند و اگرچه بطور قطع در برنامه هفت ساله کمک بودجه فرهنگ و مبارزه با بیسوادی تا حدی منظور گردیده اما بعقیده فدوی با اضافه شدن بودجه وزارت فرهنگ موضوع این نقیصه در صورتیکه تشکیلات زندگی ما بهمین حال باقی بماند مرتفع نمیشود زیرا بر خاطر خطیر ملوکانه پوشیده نیست که وضع کشور ایران امروزه بصورتی است که سه چهارم از نفوس این سرزمین را دهاتیها تشکیل میدهند و وضع دهات هم که شماره آنها در تمام کشور نزدیک به پنجاه هزار است طوری میباشد که ساکنین هر يك از آنها از صد الی حد اکثر دوهزار نفر است و مسلم است که در چنین صورتی اگر تمام بودجه کشور را هم در اختیار وزارت فرهنگ بگذارند غیر ممکن است که فرهنگ در میانه اهالی دهات تعمیم یابد و حتی دو درصد آنها طریق خواندن و نوشتن را فراگیرند. چه اشکال عمده‌ای که در کار میباشد اینست که بایستی در حدود پنجاه هزار آموزگار جهت تحصیل اطفال ده نشین تهیه نمود زیرا بطوریکه معروض داشتم در حدود پنجاه هزار دهکده اکنون در ایران وجود دارد و برای هر دبستان چهار کلاسی و شش کلاسی متناسب دهات کوچک و بزرگ پنج نفر آموزگار بعدد کلاس های آنها لازم است و معلوم است که در اینصورت هرگاه بودجه فرهنگی خود را هم چندین برابر نمائیم ساختن این مقدار دبستان و تهیه آموز برای وزارت فرهنگ متعذر است و بعلاوه اولیاء اطفال

ده نشین که بعلت مکانیزه نبودن کشاورزی فرزندان خود را هر یک بفرابخور سنی که دارند باموری از قبیل کشاورزی و دام پروری و تهیه سوخت و مواد لازمه دیگر وادار بکار کرده اند هرگز حاضر نخواهند شد که بمنظور فرا گرفتن مختصر سوادیکه اطفال آنها تحصیل خواهند نمود فرزندان خود را از این امور برکنار نمایند و اوضاع زندگانی خویش را ازوضع کنونی بدتر سازند باین وصف جای هیچگونه تردیدی نیست که تا نقشه صحیحی برای رفع اینگونه اشکالات که مانع از تعمیم فرهنگ است درکشور اجراء نگردد که وضع دهات و آلات کشاورزی ما را کمأ و کیفأ ازصورت کنونی خارج سازد و در واقع جمعیت پراکنده ما را تا حدود لازمه مجتمع نموده و زراعت رامکانیزه نماید که هر ماشینی کارچندین نفر را انجام دهد اندیشه نشرعلوم و تعمیم فرهنگ در ایران باطل و بلکه محال است و رفع این اشکالات را هم با باقی ماندن این تشکیلات و اینکه دهات ایران اکنون دارای مالکین بیشمار است و هر يك از آنان حدودی را در اراضی کشور برای خود قائل هستند برای ما غیر مقدور بوده و بابهیچ نقشه و پروژهئی هم نمیتوان این اشکالات را مرتفع نمود و جمعیت پراکنده و بی سروسامان کشور را تا حدیکه لازم است مجتمع و تواناساخت مگر اینکه طبق مواد پیشنهادی فدوی شرکتی تأسیس و تشکیل گردد که زمام کلیه امور زراعتی و سایر قسمتهای اقتصادی ما را دردست گرفته و بتواند بدون هیچگونه مانعی تغییرات و تحولاتی در وضع دهات ایجاد نموده و اوضاع

را از هر جهت برای نشر علوم مساعد سازد و البته هنگامی که چنین شرکتی تأسیس و تشکیل گردید و شالوده معیشت مردم بوسیله دولت و شرکت بهترین وجهی ریخته شد چون شرکت وظیفه خواهد داشت که دهات کنونی ایران را از صورت فعلی خارج سازد و مثلاً بجای پنجاه هزار دهکده ویران و غیر قابل استفاده کشور چهار الی حد اکثر پنج هزار دهکده را طبق اصول فنی و بهداشتی از نو بنیاد نماید و کشاورزی زارعین را مکانیزه نماید آنوقت است که بآسانی آمال عمومی ما برای نشر علوم و تعمیم فرهنگ عملی خواهد گردید زیرا در آنصورت اولاً هر دهکده نوینی بواسطه کثرت جمعیت قابلیت آنرا خواهد داشت که مؤسسات فرهنگی را در آنجا بر قرار نمود ثانیاً چون زارعین آنجا ها بوسیله ماشین و ابزار جدید کشاورزی بکشت و زرع محصولات و سایر امور فلاحی خواهند پرداخت بآسانی خواهند توانست فرزندان خود را برای گرفتن علوم فرهنگی بمدارس دولتی فرستاده و فرهنگ را استقبال نمایند. ثالثاً از جهت اینکه پنجاه هزار دهکده ویران و کم جمعیت کشور مبدل بچهار یا پنج هزار دهکده آباد و پر جمعیت میگردد در اینصورت وزارت فرهنگ بآسانی و با بودجه کم و زمان اندک خواهد توانست در هر يك از آنان نقاط وسیله تحصیل علوم را برای مردم فراهم ساخته و آنها را توانا نماید و در غیر اینصورت همان قسمی که بعضی رساندم با اشکالاتیکه در راه اشاعه و نشر فرهنگ ما موجود است که یکی از آنها کثرت دهات ویران و کم جمعیت و دیگر

مکانیزه نشدن کشاورزی است محال است که بتوانیم در راه این مقصود شریف قدم مؤثری برداشته و مردم را باسواد و توانا نمود. بنابراین چون بنده خدمتگذار اقصر و احسن طرق را برای تعمیم فرهنگ ارائه داده و از هزینه معتناهی که وزارت فرهنگ بایستی در راه تعلیمات عمومی مصرف نماید و آخر الامر هم نتیجه مطلوبه را بدست نیاورد بمراتب کاسته‌ام میتوانم باجرااء مواد پیشنهادی خود که از هر جهت بصرفه و صلاح دولت و ملت بوده و سعادت کشور را کاملاً تأمین خواهد نمود ایدوار باشم.



== اقتصاد ==

بدیهی است که اقتصادیات هر کشوری ارتباط کلی با زندگانی افراد آن کشور دارد و امری است که هرگاه توجه دقیق بآن معطوف نشود وضع زندگانی مردم را روحاً و جسماً فلج مینماید و باوجود فلج شدن روح و جسم مردم يك کشور مسلم است که نمیتواند آن کشور را ترقی و تعالی بلکه رادبقارا پیماید با اینحال پایه اقتصادیات کشور ما متأسفانه بقدری بغلط پی ریزی شده و دستخوش هرج و مرج گردیده که زندگانی ایرانیان را بکلی فلج ساخته و همین امر موجب شده است که همواره ملت در آتش فقر و بیچارگی سوخته و روی آسودگی و آرامش خاطر را نبینند و چون بناء زندگانی مادی و معنوی بشر بر روی این اصل کلی قرار دارد لازم است چند نقص کلی را که در وضع اقتصاد ما کاملاً مؤثر بوده و ارکان اقتصادی کشور را در هم شکسته است بعرض برسانم .

۱ - بدی سلوك مالکین اراضی و دهات کشور است نسبت بزارعین و شرکاء یا رقباء ملکى خود و شرح این داستان عجیب اجمالاً این است که اولاً چون بیشتر دهات ایران بین مالکین کل و جزء مشترك است و مالکین کلی هم بواسطه داشتن املاك متعدد دارای قدرت و نفوذی

گرفته‌اند در هر دهکده که مالک هستند اعم از اینکه سهمیه آنها زیاد باشد یا کم مایلند شرکاء خود را که در سر راه مقاصد آنها بمنزله خارهایی محسوب میشوند از بین بردارند بدین علت هیچگاه در امر عمران و آبادی حاضر بهمکاری با آنها نشده و همیشه سعی دارند که موجباتی فراهم کنند که ملک مزروعی و حتی محل سکونت زارعین را (که در بیشتری از دهات ایران محل سکونت زارعین متعلق به مالکین است) از حیز انتفاع خارج نمایند تا شرکائشان مجبور شوند سهم یا سهام ملکی خود را بقیمت بسیار کم بآنها واگذار کنند و خود فدوی مکرر در مکرر این موضوع را برای العین دیده‌ام و شاید بسیاری از هموطنان نیز این مطلب را دانسته باشند که در بیشتری از دهات ایران بطور کلی رفتار مالکین کل با خرده مالکینی که شریک آنها هستند بهمین طریق است که معروض گردید و کار مناقشه و زد و خورد این طبقه که گروهی از آنان مهاجم و مقصر بوده و عده‌ئی هم در واقع مدافع و بی تقصیر میباشند بجائی رسیده که صد هاهزار پرونده حقوقی و جزائی از اعمال آنان در دادگستری تشکیل شده است که جز ضرر دولت از لحاظ توسعه دادن بدستگاه دادگستری و فلج گردیدن زندگانی زارعین و زبان مالکین سودی در بر ندارد .

۲- در میان مالکینی که دارای دهات ششدانگی بوده و از هر جهت آزادی مطلق در توسعه امور کشاورزی و تقویت بنیه مالی کشاورزان را دارند کمتر کسی یافت میشود که وقت خود را صرف آموختن تجربیات

و هلمو کشاورزی نموده، در بهبود وضع زندگانی زارعین و اصلاح نقائص
ملکی خود سعی و کوشا باشد بلکه غالباً اینگونه مالکین از راه ربا
خواری و ارزان خریدن مواد خوار بار از زارعین و احتکار نمودن
مولد لازمه حیاتی و اشتغال بلمور دیگریکه هیچگونه ارتباط بفلاحه
ندارد باز دیاد ثروت خود مشغول هستند و حتی عده کثیری از این
قبیل مالکین با تهیه چند دستگاه اتومبیل باری بحمل مواد خوار بار
از شهری بشهری و از استانی باستانی که دارای تفاوت نرخ میباشند پرداخته
و در اکثر موارد بیشتری از آنان موادی را حمل و نقل و خرید و فروش
مینمایند که آن مواد در انحصار دولت بوده و معامله آنها در واقع قاچاق
میباشد و برای اینکه اهمیت خسارتی که از رفتار و اعمال این طبقه
بزندگان ایرانیان ولود میآید بطور نمونه دانسته شود کافی است که
جریان حمل گندم را در دو سال قبل بدست این گروه از صفحه غرب به
کشور عراق بنظر بیاوریم که معلوم شود بر اثر همین يك اقدام آنها
چگونه مردم بیچاره يك استانی که سرزمین آن سامان بحاصل خیزی
شهرت عمومی دارد دچار فقد قوت لایموت گردیده و دسته دسته فدای
حرص و آرزوهای بیعاطفه و وظیفه ناشناس شدند.

۳ - موضوع شهر نشینی و شهری شدن بیشتر مالکین است که
در نتیجه آن غالباً از جریان زندگی زارعین و امور ملکی خویش بی
اطلاع مانده و امور ملکی خود را بمبشرین و کدخدایان یا مستاجرین
ولمیکذارند که جز خراب کردن املاک و غارت نمودن دسترنج زارعین

وبالاخره لطمه بدستگاه تولیدی کشور وارد آمدن فائده‌ای بعمل آنها مترتب نیست.

۴ - موضوع تعدی و ظلم مالکین نسبت بکشاورزان میباشد و چون این موضوع طرق متعددی دارد و اظهار بعضی از آنها شایسته نیست که بعرض برسد فلذا بذکر چند قسمت از آنها که موجبات فقر و بیچارگی زارعین را فراهم نموده و مستقیم و غیر مستقیم لطمه آن بدولت و ملت میرسد اکتفا مینماید.

۱- عمل تقسیم محصولات در بین مالک و کشاورز میباشد که مالکین بیشتری از نقاط ایران برائز قدرتی که در طول زمان تحصیل کرده اند طوری وضع را مقرر داشته اند که زارع بیچاره از مجموع محصولاتیکه با هزاران خون دل تهیه مینماید جز مقدار ناچیزی بهره و نصیب نمیبرد و همین يك علت که از علل عمده بدبختی زارعین است موجب گردیده است که کار بیشتر زارعین به مهاجرت بطرف شهر ها و دزدی و راهزنی و آدم کشی و گدائی و بالاخره بمراء غیر طبیعی منجر بشود.

۲ - عبارت از اخذ موادی است که مالکین از زارعین مواد لازمه حیاتی و وجوه نقد را یعنی گوسفند . روغن . مرغ . تخم مرغ . عسل لبنیات . حبوبات . زغال . هیزم و امثال اینها با مقداری پول نقد به اسم سر جفت میگیرند و البته در هر دهکده‌ای بتناسب کشت و زرع و مرتعه و نظیر اینها مقررات خاصی وضع کرده اند که برای زارع پرداخت آنها که رشکن میباشد.

۳ - اخذ جرائم است که هر چند گناه مالکین از کشاورزان مخصوصاً از آنها که با سرسختی تمام اندک مالی اندوخته اند باخشونت فوق الوصفی ببهانه های مختلفی جرمی برای آنها معین کرده و با جبار وصول میکنند و هیچ عذری هم جهت عدم پرداخت آن مسموع مالک نخواهد شد .

۴ - بیکار یا بیکار نمودن رعیت است از کار کشاورزی و امور زندگی او و آن بدین قسم است که مالک هر ملک در ایام سال از هر خانواری يك یا چند نفر را بدون رعایت این نکته که زارع در آن هنگام بچه کاری مشغول است برای کارهای شخصی خود از قبیل امور ساختمانی و علف چینی و غرس اشجار و ایجاد واحیاء باغ و اهتال اینها احضار مینماید و احضار شدگان بدون دریافت هیچگونه مزدی بایسد کار مالک را انجام بدهند و شاید در بعضی جاها در ایام سال هر خانواری رو بهم رفته سه ماه مالک را مجاناً انجام دهد .

۵ - کوچیدن زارعین است از قریه ئی بقریه دیگر که بر اثر ظلم و فشار مالکین هر ساله در بیشتری از دهات عملی میشود و نتیجه اینست که زارع هر دهکده ئی که بدهکده دیگر کوچ مینماید و در واقع تصور میکند آسمان آنجا برنك دیگر است از زراعتی که در محل قبلی خود کاشته است باید بصرف نظر نماید زیرا مالک آنجا از جهت این که ترس و رعبی در قلوب سایر رعایای خود ایجاد نماید که با تحمل هر گونه ظلم و مشقتی خیال کوچیدن بدهات دیگر را در مغز خود نپرورند

و نیز برای اینکه لحظه‌ئی بزارع مهاجر وارد نماید ضمناً قدرت خود را هم بسایر مالکین نشان دهد بطریق حتم یکی از این دو کار اقدام خواهد کرد یا اینکه در درجه اول کشت و زرع او را قهرأ تصاحب خواهد کرد یا در صورت عدم پیشرفت زارع را از حراست در کاشته خود و امور آبیاری آن ممانعت می‌کند که در هر دو صورت خسارتی بزارع و دستگاه تولیدی کشور وارد می‌آید. این بود شمه‌ئی از جریان امور مالکیت و طرز رفتار آنها با یکدیگر و ظلم و اجحاف آنان نسبت بکشاورزان که در مورد اخیر درست آدمی را بیاد رفتار مالکین روم قدیم بسا زارعین یا طلبکاران آنها بامدیونین و همچنین بیاد عمل مردم چند قرن پیش با بردگان می‌اندازد و بدیهی است که ادامه این اوضاع جز ایجادزد و خورد و مناقشه و کمی صادرات و ازدیاد فقر عمومی و بدبختیهای بیشمار دیگر ثمر دیگری بحال کشور ندارد.

۲ - یکی دیگر از نقائص اقتصادی ما نقیصه دام پروری است که

چون دام داران و دام پروران ما برخلاف اصول و طریقه دام پروری مشغول باینکار هستند هر ساله مقدار زیادی از دامهای کشور از بین میرود و علاوه بر آنکه از مواد لازمه زندگانی ما میکاهد تا حدودی هم موجب فقر عمومی میگردد - و علت وجود این نقیصه آنست که برای پرورش و تربیت نمودن بعضی از دامهای پرفائده از قبیل گوسفند بز، گاو که محصولات آنها بایستی اضافه بر رفع نیازمندیهای داخله بر صادرات کشور نیز بیفزاید دودسته بکار مشغول هستند - یکی اهالی

ایلات و چادر نشینان که اغلب در حال حرکت بوده و از نقطه‌ئی بنقطه دیگر می‌روند و در مدت سال چندین بار بر سر زمین‌های گرمسیری و سردسیری رفت و آمد می‌کنند. دیگری زارعین یا دهقانان ده‌نشین که بر خلاف دسته اولی دارای خانه و محل سکونت معین هستند و از پرتو زراعت و تربیت اینگونه حیوانات بسختی اعاشه مینمایند و با اینکه سرمایه زندگانی چادر نشینان دام پرور می‌باشد و زارعین نیز از پرتو دام پروری کمکی بحیات خویش مینمایند معذالک در کار هر يك از آنها نقیصه مهمی وجود دارد. اما نقیصه دام پروری چادر نشینها اینست که چون بمقتضای فصول اربعه سال ییلاق و قشلاق نموده و در هر فصلی از محلی بمحل دیگر می‌روند بیشتر حیوانات آنها بر اثر زحمات حرکت و بروز سرماها و گرماهای غیر عادی و نیامدن باران های بموقع که مراتع را برای خوراك آنها سرسبز و شاداب نماید مریض و تلف گردیده و بمرك غیرطبیعی می‌میرند و اما نقیصه‌ای که در کار دام پروری دهاقین وجود دارد اینست که در بیشتری از دهات مکان هائیکه برای چهارپایان ساخته شده متناسب با زندگانی و بهداشت آن حیوانات در فصول مختلفه سال نیست و هم چنین علوفه ای که بایستی برای حیوانات تهیه شود بجهات بسیاری که آنها مربوط بروش مالکین دهات است بزحمت تهیه گردیده و تکافوء خوراك آنها را نمینماید و بنا بر این در طول مدت سال مخصوصا در سالهای سخت و زمستانهای طولانی بسیار سرد قسمت عمده‌ئی از حیوانات زارعین از گرسنگی تلف می‌گردند

و با این کیفیت در دام های هر دودسته اغلب اوقات امراض گوناگونی بروز میکنند که بر اثر عدم اطلاع دامداران در شناسایی امراض و طریق معالجه و همین قسم بر اثر بی اعتنائی بعضی از دامپزشکان با جراء و وظائف خود هر ساله موجبات فنا و هلاکت حیوانات کشور بیش از پیش فراهم میگردد.

۳ - تعیین نشدن نرخ عادلانه محصولات کشاورزی داخله است و چون نرخ اینگونه محصولات را که هر ساله بایستی دولت بانظر گرفتن اجرت زحمات و مخارج تهیه و بدست آوردن آنها در کشور تثبیت و اعلام نماید تاکنون بطور عادلانه عملی ننموده است از اینجهت بندرت اتفاق میافتد که زارعین محصولات خود را بدون ضرر بفروش برسانند و در اغلب اوقات و اکثر موارد دیده میشود که زارعین کشور محصولات خود را ناچار بقیمت ارزان میفروشند و فی الواقع هرگاه قیمت بیشتر محصولات کشاورزی کشور را با قیمت واقعی و عادلانه آنها تطبیق نماییم در محاسبه باین نتیجه میرسیم که اجرت زحمت و هزینه عمل آوردنشان برای کشاورز بیشتر از آن قیمتی است که در بازارهای داخله به کسبه و یا بدوالت فروخته میشود و همین يك موضوع به تنهایی که دارای اهمیت فراوان میباشد و متأسفانه در کشور ما کوچکترین توجهی بآن نمی شود علاوه بر اینکه بنوبه خود موجب تهی دستی و ناتوانی زارعین گردیده و آنها را از توسعه امور کشاورزی باز داشته است موجب آن نیز گردیده که سال بسال از محصولات صادراتی ما کم و کمتر گردد.

۴ - وضع تجارت و اعمال بازرگانان است چه اولاً واردات و صادرات کشور ما هیچگونه توازن صحیح و درستی ندارد یعنی اجناسی که بکشور ما وارد میشوند نسبت بصادرات ما قابل مقایسه نیست و همیشه صادرات ما از واردات بسیار کمتر است ثانیاً اجناسی که بکشور ما وارد میشود جز قسمتی از آنها که مورد نیاز است و در داخله کشور تهیه آنها فعلاً برای ما میسر نیست بقیه مورد نیاز نبوده و جز فلج نمودن دستگاہهای مالی و اقتصادی و حتی غیر از رواج فساد اخلاق نتیجہ دیگری ندارد زیرا که قسمت عمده آنها بمصرف زینت منازل و آرایش مردم شهر نشین میرسد که غیر از برانگیختن روح حسادت و رقابتهای خانه برانداز اثری ندارد . ثالثاً عدم تثبیت نرخ اجناس بازرگانی است که در يك شهر و در يکروز و يکزمان يك جنس معين بچندین نرخ متفاوت که تفاوتش هم گاهلاً محسوس است فروخته میشود .

رابعاً - موضوع اجناس ضروری و دست بدست شدن آنست در بازار سیاه که بهمین جهت دسترنج اکثر ملات بدبخت و بیچاره کشور بحیب عده قلیلی میرود که همیشه بارنج کم میخواهند بقوت سرمایه نفع کثیری برده و هستی هموطنان خویش را بیغما ببرند .

۵ - نقبصه مهم دیگری که اهمیت آن از هر موضوعی در قسمت اقتصادی ما بیشتر است و یادگار تلخی میباشد که از اوائل دوره مدنیت و اجتماع بحاصل بشر باقی مانده چگونگی اجتماع بیشتری از مردم است که در مناطق مختلفی اکثر بدور هم گرد آمده و آنها را شهر

مینامند و هر چند از عهد قدیمه برخی از متفکرین امور اجتماعی و فلاسفه مضار تجمع بسیاری از بشر را در یک نقطه تذکر داده و افلاطون فیلسوف شهیر یونان قدیم هم کثرت تجمع مردم را در یکجا تقبیح نموده معذالک بشر بنصایح آنان گوش نداده و همواره میل مفرط خود را در تجمع بی حاصل ثابت کرده است.

در ایران شهرها و مراکز اجتماعی که اکنون موجود میباشد مانند بیشتری از جاهای دنیا عیارت است از اجتماع مردمانی که ثمر گرد آمدن آنها غیر خسرانهای مادی و معنوی چیز دیگر نیست و اگر چه ممکن است در نظر بسیاری از افراد شکوه و جلال مرکز و سایر شهرها و جنب و جوش مردمان آن نقاط طوری جلوه نماید که پندارند باب سعادت است که هزاران سال است بشر موفق بگشودن آن گردیده اما بعقیده فدوی تشکیل اینگونه مراکز اجتماع که محل تجمع بیکاران و کانون فساد و فحشاء و میکربات مضره است در هر زمانی برای کشور ما بویژه در این عصر که عصر صنعت و فلاح و سعی و عمل است و تمام جهانیان گرفتار کمی خوار و بار و سایر مواد لازمه حیاتی گردیده اند دارای زیانهای است که هر لحظه مشکلات داخلی ما را بیشتر خواهد نمود. زیرا علاوه بر اینکه جمعیت شهرهای ما به نسبت اراضی وسیع کشور که اکنون قسمت اعظم آن بایر و قابل کشت است و بنسبت جمعیت خیلی کمی که در دهات ایران موجود است از هر جهت زیاد و بی تناسب بوده و این عدم تناسب در آموزش کشاورزی و مازیان قابل توجهی

دارد اصولاً نمیتوان اعمال و افعال بیشتر افراد شهر نشین را که بر اثر همکاری هریک شغلی را بطور اختیار و اضطرار قبول نموده اند برای جامعه و کشور ایران مفید دانست چه اینکه شهر نشینان ما که طبعاً دستشان از امور کشاورزی کوتاه است و بایستی جبران این محرومیت را برای بقاء خود و سایر هم وطنانشان از امور صنعتی و محصولات آن بنمایند بعلاوه عدم کارخانجات لازمه در شهرها از کارهای صنعتی هم محروم گردیده اند ناچار طرقي را در زندگی پیش گرفته و محیطی را بوجود آورده اند که جز کلاهبرداری و دزدی و جنایت و امثال اینها ثمری برای ما ندارد با اینحال جای بسی تاسف است که امروزه هم با قلت جمعیتی که در این سرزمین بزرگ و وسیع موجود است و سه پنجم اراضی حاصلخیز کشور که يك قسمت آن خوزستان است بایر و بدون استفاده مانده و معادن کشور هم که یکی از بهترین ثروت های طبیعی ما میباشد در زیر زمین بحال خود باقی و مدفون است عوض اینکه عواملی بوجود آید که بر اثر آن عوامل شهر نشینان ما بطرف آن اراضی وسیع و معادن زرخیز کشور که از موهبت طبیعت بهره وافی دارد روی نهاده و آنها را با ایجاد ساختمانها و سد ها و حفر چاهها و قنوات آباد و برای استخراج معادن دست بکار شوند مردمان ده نشین بجهاتی که شرح آن بسی جانگداز و دلخراش است و شمه از آنها تاکنون معروض داشته ام روی بشهرها نهاده و هرروزه بر

تعداد بیکاران و گدایان میفزایند و تاکنون این اندیشه هم بخاطر اولیاء امور کشور ما نگذشته که اگر بهمین نسبت روز بروز بجمعیت شهرها افزوده و از مردم دهات کاسته شود چه کسانی برای تهیه خوار و بار و محصولات زراعتی و بالاخره تهیه نان و آب این جمعیت‌های زیاد شهرها اقدام خواهند نمود .

این خطری است که در بادی امر ممکن است کوچک و نا چیز در انتظار جلوه کند ولی اگر درست دقت شود خطر بس بزرگی است که نسل ایرانی را تهدید بقنا میکند چه اولین ثمره این تجمع بیحاصل در شهرها بایر ماندن اراضی وسیع ایران است که چرخ اقتصادیات کشور ما را بنوبه خود فاج ساخته و علاوه بر آنکه دیگر ما چیزی نمیتوانیم داشته باشیم که بدرد صادرات کشور بخورد برای رفع نیازمندی خودمان نیز ناگزیر خواهیم گردید که حتی محصولات زراعتی را چنانکه امروز نمونه آن مشهود گردیده از خارج وارد نمائیم و از همه این مراحل گذشته بدی تشکیل شهرهای پرجمعیت و مضرات آنها برای کشور اینست که بایستی از شعاع چندین صد فرسنگ باوسائل گوناگون و تحمل مشقات بی‌شمار و صرف وقت کارگران بسیار و بکار انداختن کامیونها آذوقه و حواری و بار جهت خوراک اهالی هر یک از این قیل شهرها حمل شود و این هم وقت حاملین و تهیه کنندگان را تلف می‌سازد هم خسارات زیادی را که از جمله فرسوده شدن ماشین

آلات و مصرف بنزین و غیره است بار میآورد باضافه هرگاه خدای نخواسته دشمنی شهر بزرگی را محاصره نماید و راه رساندن خواربار را قطع سازد جمعیت آن شهر بر اثر قحط و غلاء بزودی و بناچار تسلیم خواهند شد و این اشکال اشکالی است که نمیتوان بهیچوجه بادیده نا چیزی بآن نگریست زیرا در قدیم و عصر حاضر همواره یکی از راههای وادار نمودن يك شهر را بتسلیم در برابر دشمن محاصره آن شهر بوده که اغلب باموفقیت انجام گرفته است .

پس راه علاج اینست که فوری برای اینهمه دردهای خطرناک و مبرم که حیات ما را بمخاطره انداخته چاره عاقلانه ومؤثری اندیشید که هرچه زودتر اوضاع اقتصادی ما را اصلاح نماید و این بنده بامطالعات ممتدیکه در اینموضوع نموده ام یگانه راه علاج را همانقسمی که معروض داشتم در تأسیس شرکتی یافته ام که سرمایه آن بکیفیتی تهیه گردد که درضمن مواد ذکر گردیده و هنگامی که چنین شرکتی تأسیس یافت در اندك زمانی کلیه این نقائص مرتفع خواهد گردید زیرا:

اولا - مالکین مطلق العنان فردی که خصومت آنها با یکدیگر از طرفی تشکیل صد ها هزار پرونده حقوقی و جزائی داده و وزارت دادگستری را بستوه آورده و از طرف دیگر زارعین رنج دیده را از هر جهت بیچاره و ناتوان ساخته است وجود نخواهند داشت که بتوانند برای اجرای نظریات زیان بخش و دنبال نمودن هوسهای جاهلانه خود که مملکت را بطرف زوال و فتناسوق میدهد اقدامی نمایند.

ثانیاً - بجهت انتظام تشکیلات و سکونت چادر نشینان در یکجا و احیاء امور کشاورزان و توسعه زراعت موضوع دام پروری ما طبق اصول دام پروری انجام خواهد یافت و علاوه بر آنکه از حیوانات مفیده ما کاسته نمیشود سال بسال هم بر تعداد انواع آنها اضافه میگردد.

ثالثاً - بر اثر تشکیل شرکت مزبور چون محصولات کشاورزی را در هر شش ماه یک مرتبه با نظر گرفتن زحمات و هزینه تهیه محصولات در داخل و ارزش آنها در خارج کشور بشرح مواد آتیه الذکر شرکت تعیین و خریداری خواهد کرد لهذا توازنی بین نرخ و محصول دسترنج زارعین برقرار خواهد گشت.

رابعاً - از آنجا که شرکت مزبور یگانه شرکت کشاورزی و صنعتی و بازرگانی خواهد بود و روابط مستحکم با کارخانه ها و تجارتخانه ها و بانک ها و بنگاه های مشهور اقتصادی جهان پیدا خواهد نمود و همیشه ارزش اجناس صادراتی و وارداتی را دقیقاً بدست می آورد و نیز احتیاجات ملت و نیازمندی های کشور را از روی واقع تشخیص خواهد داد و بصلاح مملکت عمل خواهد نمود توازنی بین صادرات و واردات مملکت برقرار میسازد که اضافه بر آنکه اقتصادیات و بازرگانی کشور را دچار اشکال نمی نماید از هر جهت پیشرفت آنها را تضمین و تأمین میکند.

خامساً - بعلمت بیرون آمدن دهات کوچک بصورت دهات بزرگ و ایجاد شهر های صنعتی و ساختن مدارس و بیمارستان و ایجاد برق و سایر

لوازم زندگانی بحد کافی در آنجا ها قضیه مهاجرت مردمان ده نشین
 بشهر ها معکوس گردیده و عوض اینکه مردمان ده نشین روی بشهرها
 آورند و شهر نشین بشوند چون وسائل کارهای تولیدی را بحد کافی در
 آن مراکز نوین شرکت تهیه و ایجاد مینماید و موظف است که بهر فرد
 بیکاری مطابق شئون علمی و مزاجی او کار بدهد و زندگانی منظمی برایش
 فراهم آورد شهرنشینان ما با کمال میل و رغبت برای آبادی سرزمین
 های وسیع و استخراج معادن کشور شروع به مهاجرت نموده و شهرها را
 ترك خواهند گفت .



بهداشت

ضرورت بهداشت که بك امر طبیعی است در هر عصر و زمانی طبق قوانین مكتشفه آن در هريك از ادوار تاریخی مورد نظر و علاقه مردم بوده و برای حفظ موجودیت خود باشکال مختلفه اهتمام میورزیده اند و حتی در اعصای که هنوز بشر موفق بکشف خواص اشیائی که در معالجات مورد استفاده قرار میگیرد نشده بود ضروری بودن بهداشت را درك نموده و بوسیله اوراد و تشبث بسنك ها و مجسمه های بیجانی که در معابد وجود داشت جهت مداوای خویش اقدام میکردند معذالك مشاهده میشود در عصریکه علم طب ترقی بسیار شایانی نموده و ضرورت بهداشت نیز بیش از پیش مسلم گردیده و پیغمبر عظیم الشان اسلام هم تأکیدات بلیغه در سلامت داشتن مزاج پیروان خود فرموده هنوز افراد کشور ما از نعمت بهداشت برخوردار نگردیده اند و علت این عدم برخورداری از نعمت بهداشت اینست که چون اجراء قوانین طبیی وابسته به اجراء قوانین فرهنگ و اقتصاد و امنیت و تعمیم آنهاست و اجراء قوانین عوامل مزبوره که باید جمعاً برای سعادت و آسایش ملت در یک زمان توأمأ اجرا بشود تاکنون در کشور ما جامه عمل نبخود پوشیده است لهذا

با وجود وزارتخانه نمی بنام وزارت بهداشتی و وجود چندین بیمارستان در مرکز و شهرها موضوع بهداشت در میانه ما تعمیم نیافته و وضع بهداشتی مردمان کشور طوری است که کمتر کسی از شهری و دهاتی وجود دارد که دارای مزاجی سالم و نیروئی قوی باشد که در برابر حوادث بتواند مقاومت نماید و آنچه که از اوضاع کنونی مشهود است اینست که در شهرها از طرفی نظر بمحدومیت مردم از غذای طبیعی و آب و هوای سالم و نور کافی آفتاب و از طرف دیگر بواسطه نشر میکروبهای مضره که بدبختانه روز بروز در تزايد مییابد همیشه ساکنین آنجاها نجیف ورنجور بوده و بر اثر کوچکتربین عارضه ای فوری مریض و بستری میشوند و در آن هنگام چنانچه هریک پول و سرمایه نمی داشته باشند و بخواهند سلامتی خود را با پول خریداری نمایند خویش را در دامن اطباء (آن اطبائی که اغلب آنها بطوریکه پوشیده نیست پس از چندی از راه اجحاف بمرضی میلیونر میشوند) انداخته و هر روزه مبلغی بطیب و دوا فروش تقدیم میکنند و چون قصد آن اطباء کسب پول است و با امتداد زمان مرض میتوانند از بیماران پول بیشتری دریافت کنند چندان توجه بصحت مزاج و معالجه فوری آنها نمینمایند و روی این اصل بجای معالجه و صحت یافتن هر روز مزاج مریض بیچاره پیشتر از جاده صحت منحرف گردیده و اکثر قوه مقاومت را در مقابل مرض از دست میدهند و درست در همین موقع هم هست

که دیگر مریض از صحت خود نومید شده و پولی هم برایش باقی نماند که بطیب بی انصاف بدهد بنا بر این تن بمرک داده و خواه ناخواه از معالجه دست میکشد و اگر احیاناً در میانه این مرضی کسی یافت شود که بنیه مللی داشته باشد با هزینه بسیار کسب اجازه از دولت نموده برای معالجه بیکى از کشور های اروپا رهسپار میشود از میان این عده هم اغلب بر اثر حرکات و زحمات مسافرت بمقصد نرسیده جان میسپارند و بالاخره از میانه بیماران ممکن است صدی ده درست و کامل معالجه بشوند .

این حال کسانی است که با داشتن پول و خرج کردن آن میتوانند توجه اطباء را برای چند روز یا برای مدت مدیدی بخود منعطف سازند اما مریضانی که فاقد پول و سرمایه هستند اگر خدا یا بقول بعضی ها طبیعت کمکی بآنها نکند معمولاً پس از چند روزی بیماری چشم از عالم پوشیده و برای همیشه در سینه خاک جا میگیرند .

در دهات نیز اوضاع بهداشتی زارعین و مردم آنجاها بر اثر فقدان خوراک و پوشاک و مکان سالم جهت زندگانی و محرومیت از فرهنگ و طبیب و قابله و بیمارستان و وسائل نظافت طوری است که قلم و بیان از شرح آن عاجز است زیرا ساکنین دهات بر اثر عدم فرهنگ و بیسوادی نه آن فهم و تشخیص را دارند که از میکروبهای جانکاه و کثافات اجتناب ورزند و نه معیشت درستی دارند که بدن آنها بر اثر خوردن

اغذیه مقوی در مقابل عوارض بتواند مقاومتی بنماید از طیب و قابله و بیمارستان و داروخانه هم بطوریکه معروض افتاد انری یافت نمیشود که بیماران و محتاجان از وجود آنها استفاده کنند باری گذشته از اینها عواملی که امروزه بهداشت مردمان کشور را بیش از هر چیزی بخطر انداخته است موضوع استعمال مشروبات الکلی و تریاک و توتون و مواد مضره دیگر و همچنین شیوع امراض مقاربتی است که در مرکز و سایر شهرها و دهات عمومیت یافته و جامعه ما را بطرف انحطاط و زوال سوق میدهد و با این کیفیت هم بطوریکه از مطالعه اوضاع و احوال تشکیلات طبقاتی و روش دولت و بودجه و درآمد مملکت ما که در مقابل احتیاجات روز افزون مردم ناچیز است مستفاد می شود پیداست که وضع بهداشتی ما با ادامه این تشکیلات بهیچوجه روی بخوبی نخواهد گذاشت و بعقیده فدوی یگانه راه تعمیر بهداشت در سراسر کشور همانست که قبلا بعرض خاکبای اعلیحضرت شهرباری رساندم که باید شرکتی با سرمایه دولت و ملت تشکیل شود و بوسیله آن سرمایه که سرمایه فنا ناپذیری خواهد بود دهات کوچک و دور افتاده و همچنین قصبات و شهرهای بی نمر ما را از صورت کمونی خارج و برای کلیه زارعین و شهرنشینان بیکار مراکزی که قابلیت ساختن بیمارستان و دبستان و سکونت طیب و قابله را داشته باشند از نو بنیاد شود یعنی در حدود پنجاه هزار دهکده و قصبه و شهر ایران را که ساکنین هر یک از دهات

از صد الی حد اکثر دو هزار نفر است مثلاً تبدیل بچهار یا حداکثر پنج هزار دهکده زراعتی و شهر صنعتی نمود که بعلمت تجمع مردم در آن نقاط نوین و ایجاد نمودن وسایل زندگی بجهت آنان هر فردی بتواند از مزایای بهداشت بهره مند گردد و برای دولت هم هزینه بسیار نداشته باشد و اینکه بنده چنین پیشنهادی می‌کنم و طریق عمومی شدن بهداشت را این راه میدانم که بجای ده ها هزار دهکده ویران که حیوانات وحشی هم از سکونت در آنها امتناع دارند و بجای شهرهای پر از فجایع و میکرب که ساکنین آنها بر اثر بیماری و فساد اخلاق از خون یکدیگر تغذیه مینمایند بمقدار مذکور دهکده زراعتی و شهر کوچک صنعتی در نقاط کشور طبق اصول فنی و بهداشتی ساخته شود و مردم دهات و شهر هادر آن مراکز نوین برای احیاء این کشور باستانی گرد آیند بدینجهت است که اولاً بسیاری از اراضی هسری و عفونی و مقاربتی که در نتیجه شیوع و کثرت فحشاء در شهر ها وضعف بودجه وزارت بهداشت و شهر داری و کثافات فراوان دهستانها بروز میکنند از میان رفته و طبعاً عده مرضی رو بقلت میروند و بهداشت عمومی تعمیم می یابد .

ثانیاً - با سرمایه آن شرکت که عایدات دولت را بمراتب بیشتر از عایدات کنونی خواهد نمود در هر دهی که از چند دهکده کوچک کنونی تشکیل میشود یا لاقلاً در هر دو یا سه دهکده و هر شهر صنعتی میتوانیم بیمارستانی با کلیه لوازم طبی و جراحی و کمالی و دندان سازی و ماهائی

دائر نمائیم که بدون اشکال فوری بمعالجه بیماران اقدام شود.

ثالثاً بر اثر نابودی فحشاء و راحتی مردم از لحاظ وضع معیشت موضوع ازدواج نیز که اکنون یکی از درد های مبرم و مشکل ها است بهترین صورت را پیدا نموده و در نتیجه کمک بزرگی باز دیاد نسل ایرانی آنهم نسل سالم و پاکی خواهد شد و در غیر این صورت بطوریکه بعرض رسید با بودن این تشکیلات خسته کننده که جز ایجاد سرگردانی و بیچارگی ثمری ندارد اندیشه تعمیم بهداشت در ایران باطل بلکه محال است چه جمعیت دهات هر روزه بر اثر فقر فرهنگی و اقتصادی و بعات اینکه اصلاً طبیعی را در میانه خود نمی بینند که بدردهای آنها رسیدگی کند بشهرها روی آورده و شهر نشین میشوند و از شهرها هم هر روزه عده ای بر اثر بیکاری و یا برای بدست آوردن کارهای بزرگ و به اصطلاح ملیونر شدن یا بجهت تکمیل تحصیلات اطفال خود یا بجهت دیگر بمرکز مهاجرت مینمایند و چنانکه پروضح است کثرت جمعیت در يك نقطه هم قهراً میکروبهای مضره ای بوجود میآورد که از راه هوا و آب و اغذیه و معاشرت و مقاربت و غیرها بمزاجها هجوم آورده و وزارت بهداشت و اداره شهرداری را در برابر خود بزانوندر میآورند که بیپوجه قادر بجلوگیری از آنها نخواهند بود و نمیتوانند برای حفظ صحت مردم با این همه عوارض مبارزه نمایند و باقیمانده مردم همان دهات و شهرها هم که نه دست ستیز و نه پای گریز داشته اند و در محل های خویش با بدبختی و رنج هم آغوش هستند نه طبیعی حاذق

را در میانه خود می بیند که باو رجوع نمایند نه در صورت وجود طبیب قدرت مالی دارند که بتوانند جهت معالجه کوشش کنند و از همه مشکل تر اینست که دهات پراکنده و بیشمارى در نقاط مختلفه کشور موجود است که جمعیت بیشتر آنها حد اکثر از صد نفر تجاوز نمیکند و غالباً محل سکونتشان در نقاط صعب العبور کوهستانی واقع گردیده که حتی برای بعضی پیاده رفتن بآن نقاط هم دشوار میباشد و وزارت بهداری هرگز نمیتواند باینهمه دهات پراکنده رسیدگی نموده بدردهای مختلفه مردم درمان بگذارد و حتی در نقاطی هم که محل عبور و مرور آنها باین سختی نیست باز وزارت بهداری با این تشکیلات نمیتواند کاملاً بهداشت مردم را تأمین نماید زیرا قراء و دهات بسیاری که اغلب دور از یکدیگر هستند در تقسیمات وزارت کشور تابع یکی از بخشدارها قرار گرفته اند و در هر بخشی يك نفر طبیب وجود دارد که یا فارغ التحصیل دانشکده طب ایران میباشد و به مجرد استخدام در وزارت بهداری مأمور آن بخش گردیده و هیچگونه سابقه معالجه مرضی را ندارد یا از پزشکان قدیمی و واخورده ئی میباشد که در محل خود کسی باو رجوع نمیکند و برای امرار معاش ناچار باستخدام در وزارت بهداری و رفتن بآن محل گردیده و در هر دو صورت مأمور مزبور اقامتش در مرکز بخش میباشد و برای معالجه بیماران یا باید او بدعوت تابعه برود یا مرضی بمرکز بخشی نزدا و یا باین اگر فرض کنیم که او باید بدعوت تابعه برود لابد هر بخشی

کمتر از یکصد و پنجاه ده تابع ندارد و در صورتی که طبیب مزبور واقعا جدی باشد چون هر روزی بیشتر از یکی دوتا از آن دهات را نمیتواند سرکشی کند لهذا در هر سه ماه مردم هر دهی یکروز میتوانند طبیب بخش خود را ملاقات نمایند . و البته در مدت سه ماه بلکه در مدت دو روز هم هر مریضی که بی طبیب و بی دوا بماند تلف میشود. همانطور که دسته دسته از مردم دهات که در میانه آنها زبده ترین افراد ایرانی وجود داشته هر روزه در نتیجه عدم طبیب و دوا تلف میکردند و اگر فرض کنیم که بیماران باید برای معالجه بمرکز بخش نزد طبیب بروند علاوه بر آنکه بسا ممکن است دارای امراضی باشند که حرکت جهت آنها خطرناک و تلف کننده باشد غالباً وسایل سواری را ندارند و مجبورند پیاده حرکت نمایند و چون بیشتر راههای آنها بواسطه دوری دهات از مرکز بخش طولانی است مریض بیچاره که از درد و رنج مرض ضعیف و ناتوان گشته از طول راه بکلی فرسوده میشود و مداوایش منتج به نتیجه نمیکرد و این دو فرض هم فقط در غیر فصل زمستان قابل تصور میباشد زیرا در فصل مزبور به علت اینکه اغلب دهات کشور ما در نقاط سرد سیر واقع شده و کثرت برف و باران موجب انسداد راهها میگردد نه طبیب میتواند از مرکز بخش بهالین بیماران که در دهات پراکنده و دور از یکدیگرند برود نه مرضی میتواند باحالت مرض و نداشتن ملبوس گرم و مرکوب رهوار نزد طبیب بیایند و در هر حال با فرض اینکه چنین معجزهائی هم برای اداره شهرداری و وزارت بهداشتی

قابل شویم و تصور نمائیم که بر اثر ازدیاد بودجه شهرداری و وزارت بهداری اداره شهرداری کاملاً از عهده نظافت مرکز و شهرهای کشور بر آید و مأمورین وزارت بهداری نیز مانند فرشتگان بتوانند بتمام نقاط کشور پرواز نموده مرضی را معالجه کنند آیا بهتر نیست که ما علل اصلی و حوادث بروز امراض را که ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی است مرتفع نموده زحمت مأمورین مربوطه و هزینه گزافی را که بدون نتیجه در این راه مصرف میشود بمراتب کمتر نمائیم؟

اگر تصدیق میفرمائید که اینکار بهتر است تصدیق ضمنی بصحت عرائض و درستی مواد پیشنهادی فدوی فرموده اید زیرا با مطالعه دقیق آن مواد توجه خواهید فرمود که بنده خدمتگذار بهترین و نزدیک ترین راه را برای تعمیم بهداشت در سراسر کشور ارائه داده و با هزینه کم در اندک مدتی در صورت اجراء مواد مزبور میتوان ریشه امراض را از ایران قطع نمود و بهداشت را در تمام نقاط مملکت عمومی ساخت و ایرانیان را بوسیله تأمین صحت مزاج در برابر حوادث داخلی و خارجی توانا و نیرومند و با سعادت نمود و از آنجا که علاقه شدید شاهنشاه معظم و محبوب خود را بصحت مزاج و توانائی و نیرومندی و ازدیاد نسل ایرانی میدانیم بنا بر این امید و اطمینان فراوان هم بتصویب و اجراء مواد پیشنهادی را داریم .

امنیت

همانطور که تعریف کردن از خواص و نیکی آفتاب و نور آن بعلت روشن بودن قضیه در نظر عقلاء امری زائد و از قبیل توضیحات واضحات میباشد همینطور تعریف کردن از خواص و نیکی امنیت و منشاء و موجد آن بجهت معلوم بودن موضوع در نزد کسانی که کم و بیش از نعمات امنیت و آسایش زندگانی متمتع گردیده و گاه گاهی هم شعله های سوزنده و مدهش نا امنی نزدیک بوده هستی آنان را بکلی بسوزاند از جمله تعریف بدیهیات بشمار میرود زیرا صاحب ادراکی یافت نمیشود که نداند امنیت چه نعمت بزرگ و گرانبهایی است و وجود آن در میانه يك قوم تا چه اندازه ضرورت داشته و موجبات مجد و عظمت او را فراهم میسازد . چه امنیت موجب ایجاد روح وحدت و روح وحدت موجب ایجاد مجد و عظمت اقوام و ملل است و بالعکس نا امنی روح وحدت را کشته و مجد و عظمت دیرین قومی را که دچار کابوس آن شده اند از میان بر میدارد و امنیت را میتوان بطور کلی بدو قسمت تقسیم نمود :

یکی مصون ماندن ملتی از تعرض بیگانه دیگری محفوظ بودن از تجاوزات افراد خودی و هر چند اهمیت تعرض بیگانه برای ملتی

زیاد و ناگوارتر از انقلاب، داخلی و تجاوزات خودی میباشد ولی خطر تجاوزات خودی و اختلافات داخله برای آن ملت بمراتب بیشتر و مدحش تر است زیرا تعرض بیگانه مستلزم این نیست که روح وحدت ملی را از قوم مورد تعرض سلب کند ولی تجاوزات افراد يك قوم نسبت بخود محققاً و بدون تردید این روح را میکشد و آن قوم را دستخوش فنا میسازد چه هرگاه ملتی دارای روح وحدت و یگانگی نباشد هر اندازه هم دارای سوابق درخشان و کثرت جمعیت و وسعت تشکیلات و تمدن باشد در برابر تجاوز ملت کوچکی که از جمیع مزایای عالیّه محروم و فقط روح یگانگی و وحدت ملی داشته باشد از پای در میآید چنانکه کشور ما با طومار ها سوابق درخشان و دارا بودن ششصد هزار سرباز مسلح و تمدن مشهور و تشکیلات وسیع بعلت فقدان روح وحدت ملی که در نتیجه نا امنیهای بسیار در اواخر عصر سامانی از ایرانیان سلب شده بود در برابر مشی اعراب که دارای هیچیک از این مزایا نبودند ولی دستگاه منظم اسلام در محیط آنان امنیت بی سابقه و در دنبال آن روح وحدتی بوجود آورده بود از پای در آمدند و برای مدت تقریباً دو یست سال در جمیع اقطار ایران استقلال خود را از دست دادند بنا بر این مسلم و قطعی است که نا امنی داخلی که مولود عدم عدل و انصاف است خطرش بمراتب زیان بخش تر از خطر آن نا امنی است که از طریق تعرض بیگانگان در میان قومی

ظاهر شده باشد و در واقع دولتی میتواند در مقابل بیگانگان مقاومت نماید که ملت آن بر اثر تعمیم عدل و داد دارای وحدت و یگانگی گردیده و از نعمت امنیت داخلی بر خور دار شده باشد و خطر یکه امروزه متوجه وطن عزیز ما گشته و قلب عقلاء قوم را هر لحظه میافشرد و احساس بدی میکنند اینست که ملت که سالها پیش از هر زمانی دچار نا امنی داخلی و تجاوز خود یکه بصور مختلف جلوه گر شده گردیده است و بعلمت همین تجاوز خودی نسبت بیکدیگر است که روح یگانگی و اتحاد و حتی وطن دوستی از میان ملت ما رخت بر بسته و جای خود را بتفرقه و نفاق و بی علائقی بوطن داده و اینهمه رشوه خواری و آشفتگی دستگاهاهای ما و رکود امور و دزدی و ظلم اکثر طبقات مختلفه و غیره که همه بر اثر عدم عدالت اجتماعی بوجود آمده شدیداً نا امنی را در میانه ما عمومی ساخته و علل عمده ای که موجب نا امنی و تجاوزات افراد ما نسبت بیکدیگر گردیده و از طرفی مردم را هم نسبت بدولت بدبین ساخته (اول) عبارت از عدم رشد فرهنگی است زیرا ملتی که دارای رشد فرهنگی باشد و کار عالم امروزه از وی ساخته شود هیچگاه پای از سلوک در طریق مستقیم که او را زودتر و بهتر بمقصد میرساند و انمیکشد و سالک راه پر خم و پیچ کلاه برداری و شیادی و حقه بازی که بالاخره لطمه اعمال او علاوه بر دیگران عائد خودش هم میشود نمیکرد. (دوم) - محروم ماندن عامه از نعمت نظام اقتصادی است زیرا اگر اقتصادیات کشوری دارای انتظام باشد و چرخهای

آن منظم‌آکار کند مردم آن کشور از نعمات زندگانی و ثروت کم و بیش بتفاوت کار و کوششی که دارند برخوردار میشوند و همان مردم برای حفظ و ازدیاد ثروت و بقاء و تمتع خود از نعمات زندگانی سعی کافی در برقراری اساس امنیت مبذول میدارند و بالعکس اگر اقتصادیات کشوری دارای انتظام نباشد و چرخهای ماشین اقتصادی آن درست کار نکند مردم آن کشور کم و بیش از نعمات زندگانی و داشتن ثروت بی بهره میگردند و بتدریج دیومیهب فقر و استیصال بر آنها چیره شده تهی دستی شامل حال اکثر مردم میشود و در آنحال چون از طرفی علاقه ثروتی در کشور خود ندارند و از طرف دیگر احتیاج آنها را وادار با اقدام و فعالیت مینماید و بواسطه عدم انتظام اقتصادی جلو فعالیت مشروع خود را مسدود می بینند بناچار همان مردم جهت بدست آوردن ثروت و مواد لازمه زندگانی بجان یکدیگر افتاده و نتیجتاً محیط امنیت را بهم زده ناامنی و هرج و مرج را بوجود میآورند (سوم) - نقص قوانین جزائی و اصول محاکمات حقوقی است که چون از طرفی آن قوانین بانظر گرفتن مقتضیات زندگانی و طرز تفکر و استعداد ملت ما تدوین نشده و بیشتر از قوانین کشور فرانسه و سویس اخذ و ترجمه گردیده و از طرف دیگر جانب قوی بیشتر از جانب ضعیف در موقع اجراء قوانین مراعات میشود و تناسبی هم بین مجازات و جرائم وجود ندارد و علاوه بر اینها بعثت تشریفات زیاد و طولانی محاکمات که طول بیشتری از دعاواها از عمر متداعیین هم فزون تر بوده و دامنگیر وراثت آنها میشود بیشتر کسانی که برای حقوق پایمال شده و از دست

رفته خود بدو ائر داد گستری مراجعاتی دارند و همچنین کسانی که حق آنها غصب و تضییع گردیده و بعلت مایوس بودن از عدالتخانه ما و هزینه زیاد معاکماتی ناچار بداد گستری تظلم و شکایت نمیکند از وضع داد گستری و قوانین ظلم پرور آن ناراضی بوده و آرزوی برهم خوردن این تشکیلات ناقص را در دل خود می پرورند (چهارم) عدم تأمین قضائی است زیرا کمتر قاضی و مأموری است که امروزه در کشور ما تحت تأثیر اشخاص ذینفوذ قرار نگیرد و به طمع و حتی با امید استفاده از اقویا یا برای حفظ مقام خود حقوق حقه ضعیفان را پایمال نسازد و بدیهی است این امر از علل عمده عدم رضایت طبقه دوم و سوم و مساعد گشتن بلکه بوجود آمدن روح تجاوز و ناامنی بشمار میرود (پنجم) وجود و کثرت ادارات غیر لازموزیادی مأمورین دولت است که علاوه بر اینکه موجب سرگردانی ملت بی سواد و تهی دست مانده و هرفردی برای مختصر کاری که با ادارات دارد باید با صرف مخارج بی مورد مدتی وقت تلف نموده و هر روزه چندین اطاق و میز را دیدن نماید و آخر الامر هم نتیجه مطلوبه را نگیرد موجب آن نیز گردیده که این ملت فقیر را که حقوق اینهمه افراد مفت خوار را با هزاران خون دل تأمین مینماید بطرف ناامنی و انقلاب سوق دهند (ششم) موضوع طرز رفتار مالکین اراضی و صاحبان کارخانجات و تجاوز آنها نسبت بحقوق زارعین و کارگران است که بر اثر تجاوزات آنها همه ازدولت و کشور خود دلسرد و ناراضی گردیده و آرزوی برهم خوردن این تشکیلات ناقص را دارند . (هفتم) بازرگانان

و پيشه وران نسبت به نیازمندان و خریداران اجناس است که احتکار و گران فروشی و کم فروشی آنها که تجاوز بزندگی و حقوق مردم است علاوه بر آنکه ملت ما را فقیر و تهی دست نموده موجب آن نیز گردیده که اکثر ملت ایران از دولت و کشور خود ناراضی و دلسرد بشوند و با اینحال جای بسی تأسف است که زمامداران گذشته ماعوض اینکه قوانین مفیده می تدوین و اجراء نمایند که بر اثر آن امنیتی در کشور ایجاد و راه دزدی و رشوه خواری و سایر فساد ها که همه تجاوز بحقوق غیر و ناامنی بوده بسته شود فقط بتدوین قوانین ظالم پروری که جز ایجاد سرگردانی و فقر برای ملت چیزی در بر ندارد اکتفا نموده و بوسیله آن دستگاههای وزارت دادگستری و شهربانی و ژاندارمری را وسعت داده اند در صورتیکه تجربه چندین هزار ساله بشر این موضوع را ثابت کرده است که تنها تشدید مجازات و وجود قوانین سخت آنها در صورتیکه درست اجراء بشود مردم محروم از نعمات زندگانی را از ارتکاب منهیات باز نمیدارد و علت هم اینست که امنیت داخلی هر کشوری وابستگی تام بنظام فرهنگی و اقتصادی و قضائی داشته و بلکه میتوان گفت زائیده شده از این عوامل است و اینکه هر روزه در ستون جرائد اخباری راجع بعملیات سارقین مسلح و غیر مسلح شهری و دهاتی و یا عملیات تنگین فلان فردیائی و همچنین مطالبی در اطراف موضوع اختلاس و رشوه خواری جمعی از مأمورین دولتی نکاشته میشود و نیز مشاهده میکنید که گروه از فرزندان

ایران تغییر آئین ایرانیت داده و در واقع ییگانه خواه گردیده‌اند همه بطور قطع آثار عدم رشد فرهنگی و نتیجه پریشان بودن وضع مالی و اقتصادی و محرومیت از عدل و انصاف و بالاخره در اثر تجاوز مردم بحقوق یکدیگر است که هر تکب اینگونه اعمال قبیحه و خائنانه گردیده تن به ننگ و رسوائی میدهند.

خلاصه بطوریکه در فصول گذشته علل خرابی وضع کشور را معروض داشتم امروزه وضع کشور ما از هر جهت خراب و آشفته میباشد و بجای عواملی که برای احیاء مدنیت و زندگی عالایم است تا امنیت را بمعنی واقعی خود در سراسر کشور بوجود آورد عواملی در کار است که هر لحظه بنیان ملیت ما را ضعیف تر ساخته و ارکان دولت را متزلزل میسازد و عوارض اینگونه عوامل مخرب هم که بیشتر دامنگیر زارعین و کارگران و طبقات ضعیف گردیده چنان طبقات محروم را که شاید یک قسمت از آنها هم خورده مالکین و کسبه جزء میباشدند از اوضاع جاریه ناراضی ساخته که اکثر آنها از روی برهم خوردن این اساس جانکاه را دارند و بدیهی است که اگر سریعاً علاج مؤثری برای بهبود حال کلیه طبقات نشود و درد های اجتماعی آنها درمان نگردد بیم انقلاب داخلی و رخنه حوادث خارجی در ارکان قومیت ما میرود و چون احتمال پیش آمد این امور قوی میباشد بنابراین در نظر فدوی فوری باید اقدام بیک علاج قطعی نمود که باین اوضاع اسفناک خاتمه داده شود و راه این علاج تصویب و اجراء موادی است که باملاحظه اطراف و جهانب آن تدوین گردیده شك تمام

آلام و مصائب اجتماعی ما را در طی زمان کوتاهی از میان بر میدارد چه در تدوین آن علاوه بر رعایت تعمیم فرهنگ و اقتصاد و بهداشت که اساس هیچ‌گانی هر ملت متمدنی مبتنی بر آنست نکاتی هم برای ایجاد امنیت کامل بطوریکه همه ایرانیان را نسبت بهم برادر و برابر نماید و مانند سد سیدی در برابر سیل حوادث مقاومت ورزند رعایت شده‌ که بدون تردید اساس معیشت ما را به نیکوترین وجهی استوار میسازد و بالاخره برای تأسیس امنیت کامل و معیشت منظم موادی را تدوین نموده ام که با اجراء آنها اولاً کارهای حقوقی وزارت دادگستری در طی مدت سه سال تقریباً کلی تمام خواهد گردید و صد هাজার پرونده حقوقی که موجب سرگردانی و خسارات و اتلاف وقت مردم شده و مستقیم و غیر مستقیم لطمه آن بتمام ملت میرسد ختم و بایگانی میشود. ثانیاً کارهای جزائی ملت ما که موجب ننگ و رسوائی بیشتر افراد کشور است و با امنیت داخلی هم لطمه وارد میسازد بحدی کم واقع میگردد که شاید در مدت سال در میانه این گروه انبوه پنجاه فقره عمل جزائی آنها عملی که چندان حائز اهمیت نباشد انجام نگیرد.

ثالثاً اداره ثبت اسناد و املاک و شعبه مربوطه بآن که تابع وزارت دادگستری میباشد و وقت بسیاری از مردم را گرفته است جز دفاتر عقد و طلاق که از لحاظ انجام امور شرعی جهت آنان ضرورت دارد در مدت تقریباً ۳ سال منحل خواهد گردید.

— از لحاظ صرفه دولت و راحتی جمع کثیری از ملت بمناسبت

اینکه دولت خواهد توانست مالیات عادلانه و واقعی خود را در آخر هر سال مطابق در آمد مملکتی از شرکت وصول نماید تشکیلات عریض و طویل وزارت دارائی که مالیات را بطریق عادلانه در هیچیک از ازمه از ملت وصول ننموده و ضمناً موجبات بیچارگی و سرگردانی عده زیادی از طبقه ضعیف را هم فراهم نموده است. ازین خواهد رفت زیر ابقاء آنها بهیچوجه ضرورت نخواهد داشت.

خامسا - چون بر اثر تشکیل شرکت نظام کاملی در امور فرهنگی و اقتصادی و زندگی مردم پیدا میشود و بنا بر این دزدی و راهزنی و قتل و امثال اینها که مولود فقر مادی و معنوی میباشد بندرت اتفاق خواهد افتاد در آن صورت وجود اداره ژاندارمری که بسیاری از ملت را در طول تشکیلات خود ناراضی و خسته ساخته ضرورت نخواهد داشت و فقط بخشداران برای بعضی از امور لازمه اتفاقیه از قوای نظمی استفاده خواهند نمود.

سادسا - چون تمام املاک مزروعی و کارخانجات کشور را شرکت سهامی عمومی اداره و رسیدگی خواهد نمود و شرکت مزبور بهره زارعین و حقوق کارگران و ارزش مزروعات و محصولات را عادلانه و متناسب تعیین مینماید از این لحاظ نارضائیهای کنونی زارعین و کارگران کشور که از اجحاف مالکین و غیره بتک آمده اند از میان رفته جای خود را بسکون و آرامش و فعالیت خواهد داد.

(سابعاً) - اجحاف و تجاوز هزارگانان و پشموران که بصورت

احتکار و گران فروشی و کم فروشی مردم را ناراحت و فقیر نموده و با اینحال بیشتر از بازار گرانان بوازد کردن اشیاء لوکس و تجملی میپردازند که هیچگونه نفعی از آنها باهالی کشور نمی‌رسد و در برابر اجناس غیر- ضروری مالیه مردم بخارج حمل میشود چون شرکت زمام امور بازار گانی را خود منحصراً بدست میگیرد و نظرش تأمین حوائج ضروری مردم ایران میباشد نه گرفتن سرمایه زندگی از دست آنها لهندانه مالیه آنها در قبال اشیاء غیر ضروری بخارج حمل میشود و نه عاملین و مستخدمین شرکت میتوانند اجناس مورد نیاز مردم را به بهاء گران و بوزن کم بآنها بفروشند و مسلم است که همین يك موضوع بتهنایی شرط عمده رضایت مردم را ازدولت فراهم خواهد ساخت .

(نامناً) - چون موجبات اختلاس و رشوه گیری بسیاری از مأمورین دولت که اکنون بعلت استعمال مشروبات الکلی و تریاک و توتون و اشیاء لوکس تجملی که هزینه استعمال آنها برای هر کارمندی چندین برابر حقوق آن میباشد و همچنین بعلت بی نظمی امور و مبارزه مردم بایکدیگر ازدولت و ملت استفاده نامشروع مینمایند بعلت فقدان اشیاء مزبور و نظام زندگانی مردم از میان خواهد رفت بنابراین این موضوع نیز در ایجاد امنیت مؤثر بوده و مردم را ازدولت راضی و بکار خویش دلگرم و امیدوار میسازد .

(نامساً) - از آنجا که همیشه سودای ییکانه خواهی ناشی از

محرومیت از لوازم زندگی و عدم امنیت و نداشتن شغل و کار و درآمد لازمه و رواج ظلم و ستم میباشد و با اجراء مواد آتیه الذکر همه این حوادث راه دیار نیستی خواهند گرفت بدینجهت پس از تأسیس شرکت و موجود گردیدن کار برای کلیه افراد و تمتع از لوازم ضروریه زندگانی موضوع بیگانه خواهی و تغییر آئین ایران دوستی بسیاری از جوانان کشور بکلی منتفی و با این کیفیت همگی تغییر رویه داده بوطنخواهی و شاهدوستی توجه دقیق مرعی خواهند داشت .

این بود مختصری از شرح نقائص زندگی و مفاسد داخلی و بدی تشکیلات ماکه برای لزوم تشکیل چنین شرکت مبارک و عظیمی آنرا در طی فصولی چند بخاکپای اعلی حضرت اقدس همایونی معروض داشتم و اینک موادیرا که در چگونگی تشکیل شرکت مزبور و وظائف آن برای فرو ریختن کاخهای ظلم و جور و پی افکندن بنای سعادت و نیک بختی در کشور تدوین گردیده و ضمناً وظائف دولت را هم تا حدودی پس از تشکیل شرکت معین مینماید از نظر دقیق و دور اندیش آن شهریار توانا میگذرانند و امیدوار چنان است که ملت رنج دیده ایران بر اثر اجراء این نقشه در پرتو عنایات ملوکانه بهترین وجهی از زندگی خویش برخوردار و در نتیجه همگی برای حفظ تاج و تخت شاهنشاهی و استقلال و عظمت کشور متحداً در یک صف قرار گیرند .

باب اول

در تشکیل شرکت سهامی عمومی ایران

دولت مکلف است بمنظور تعمیم و اصلاح امور فرهنگ و بهداشت و اقتصاد و همچنین بجهت ایجاد امنیت در کشور بتشکیل يك شرکت سهامی که جز در برخی از موارد بشرح مواد آتی الذکر شامل تمام املاك مزروعی و غیر مزروعی و کارخانجات واقع در کشور خواهد بود بهر یغاً اقدام نماید.

ماده ۲ - تشکیل شرکت که نام آن (شرکت سهامی عمومی ایران) خواهد بود و تعیین اعضاء رئیسه و هیئت مدیره و هیئت نظار آن از اینقرار است :

۱ - دولت مکلف است از هر استانی يك یا دو نفر را بهمان کیفیتی که و کلاء مجلس شورای ملی آزادانه از طرف ملت انتخاب میشوند برای عضویت اعضاء رئیسه و هیئت مدیره شرکت تعیین و به نسبت شخصیت هر يك مقام آنها را معین نماید.

ب - دولت مکلف است که بمنظور تکمیل اعضاء رئیسه و هیئت مدیره شرکت خود نیز کسانی را از صلحای قوم که عده آنها از ده نفر بیشتر نشود انتخاب و مقام آنها را معین نماید.

ج - کسانی که در همه احوال چه زماناً و چه مکاناً حق خواهند داشت که در اعمال شرکت نظارت کامل نمایند عبارتند:

اول از شخص اعلیٰ حضرت همایونی . دوم و کلاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا - سوم هیئت دولت . چهارم ده نفر از کسانی که سهام آنها در شرکت بطور ترتیب بیش از سایر افراد ذی سهم خواهد بود .

تبصره - در صورتیکه کسی از اعضاء رئیسه یا هیئت مدیره شرکت صاحب سهام کلی در شرکت باشد دولت مکلف است فرد دیگری را بشرح بند چهارم از بند ج این ماده ناظر اعمال شرکت نماید .

ماده ۳ - دولت مکلف است پس از تعیین اعضاء رئیسه و هیئت مدیره شرکت عده ای از کارشناسان بصیر و مطلع را بجهت تقویم املاک واقع در کشور اعم از دولتی یا غیر آن بهر اسم و رسم تعیین و پس از سوگند دادن بآنها که قیمت هر ملک را عادلانه تعیین نمایند آنانرا بصورت هیئتهای منظمی با دادن هر گونه اطلاعات و نقشه و دفاتر لازمه باستان های کشور اعزام دارد.

تبصره ۱ - کارشناسان هر استانی دارای یک نفر رئیس بوده و مقر دایمی آنها تاهنگام ضرورت در آن استان خواهد بود .

تبصره ۲ - حقوق و هزینه سفر کارشناسان تا پایان بازرسی و تقویم املاک کشور بعهده دولت خواهد بود .

تبصره ۳ - تکسب اطلاعات لازمه از اداره ثبت اسناد و محلی بعهده کارشناسان است .

ماده ۴ - املاکیرا که کارشناسان در بدو امر بایستی بازرسی و

تقویم نمایند عبارت خواهد بود از

۱ - کلیه املاك مزروعی کشور با متعلقات آنها اعم از املاك دولت و ملت و موقوفات بهر اسم و رسم جز در مواردی که ذکرى از آنها میشود.

۲ - قنوات و باغات و اشجار و آسیابهای آبی که در هر يك از دهات مالك یا مالکین خاصى دارد .

۳ - زمینهای بايرى که مالك یا مالکین معینى دارد و قابل کشت غلات و اشجار است خواه دارای آب باشد یا نباشد .

۴ - تمام کارخانجات در کشور اعم از دولتی یا غیر آن جز کارخانجاتى که متعلق بارتش شاهنشاهی است .

تبصره - املاك مورد بازرسی و تقویم کارشناسان بشرح بند ۱ - ۲ - ۳ - ۴ این ماده بایستی از طرف مالکین آنها به ثبت رسیده و یا لااقل مدت اعتراض قانونی ثبتشان گذشته باشد .

ماده ۵ - املاك مزروعی و اراضی باير قابل کشت و باغات و اشجار و آسیابهای آبی که تا هنگام شناخته شدن مالك اصلی آنها از بازرسی و تقویم هر يك باید خودداری بشود عبارت خواهد بود از:

۱ - املاكی که تقاضا ثبت آنها نگردیده .

۲ - املاكی که تقاضا ثبت آنها شده لکن مدت اعتراض قانونیشان نگذشته است .

۳ - املاكی که تقاضا ثبت آنها شده اما در بین دو یا چند نفر در دادگستری مورد دعوى است .

۴- املاکیکه مدت اعتراض قانونی ثبت آنها گذشته لکن نسبت بحدودشان رسماً اعتراض شده و دعوی آنها باقی است .

۵- املاکیکه عده‌ای از افراد کشور از دولت مطالبه مینمایند و طبق قانون املاك واگذاری باید بدعوی آنها رسیدگی بشود.

ماده ۶ - اراضی غیر قابل کشت اطراف مرکز و شهرها و قصبات و نقاط دیگر کشور غیر قابل بازرسی و تقویم خواهد بود.

ماده ۷ - کسانیکه در مرکز و سایر شهرها و قصبات کشور دارای هر گونه مستغلات شهری هستند میتوانند بشرح زیر مستغلات خود را بشرکت واگذار نمایند.

۱- کسانیکه ازدویست و پنجاه هزار ریال خانه شخصی و یا مستغلات دیگر دارند در صورتیکه از مرکز و شهرها و قصبات کنونی خارج و بشرح مواد آتی‌الذکر در مراکز نوینیکه شرکت خواهد ساخت ساکن بشوند در هر زمان میتوانند مستغلات خود را بشرکت واگذار نموده و سهمی را در شرکت دارا بشوند .

۲- کسانیکه ازدویست و پنجاه هزار ریال بیالا تا يك میلیون ریال خانه و مستغلات دارند پس از مدت ده سال و کسانیکه از یک میلیون ریال بیالا تا پنج میلیون ریال دارای مستغلات هستند پس از مدت بیست سال و کسانیکه از پنج میلیون ریال بیالا مالک مستغلات میباشند پس از طی ۳۰ سال خورشیدی از تاریخ تأسیس شرکت میتوانند بشرط خارج شدن از مرکز و شهرها و قصبات کنونی مستغلات خود را

بشرکت واگذار نه‌ودده سهامی را از شرکت بدست آورند
تبصره - قیمت هر ملك مسنگلی مطابق نرخ آن زمانی خواهد
بود که تحویل شرکت میشود ،

ماده ۸ - کار شناسان موظفند که پس از بازرسی و تقویم هر
ملکی قیمت عادلانه آنرا با ذکر حدود و مشخصات و نام ملك و مالك
و اینکه آن ملك درجه بخش و ناحیه ای واقع شده و تابع کدام استان
است در دفتر مخصوصی که از طرف دولت بآنها داده میشود صریحاً یاد
داشت نموده و آنرا تصدیق و امضاء نمایند .

تبصره ۱ - بازرسی و تقویم هر ملکی باید با حضور مالك آن ملك
یا قائم مقام قانونی آن بعمل آید و این موضوع را کار شناسان باید در دفتر تقویم
املاك صریحاً قید نمایند

تبصره ۲ - چنانچه در هنگام بازرسی و تقویم هر ملکی مالك
آن ملك و یا قائم مقام قانونی آن خود را بکار شناسان معرفی
نکند کار شناسان موظفند که قیمت آن ملك را در غیاب مالك آن
تعیین نمایند .

ماده ۹ - هر دفتری را که کار شناسان بشرح ماده فوق تکمیل
مینمایند باید آنرا بلافاصله به دفتر شرکت ارسال و رسید آنرا دریافت
دارند .

ماده ۱۰ - بجهت املاکی که تقاضاً ثبت آنها نگردیده و
بلا املاکی که تقاضاً ثبت آنها شده لکن مورد دعوی قرار گرفته و نیز
برای املاکی که پس از تشکیل شرکت در بین دو یا چند نفر مورد دعوی

قرار میگیرد دولت مکلف است به اسرع اوقات بشرح زیر اقدام نماید

۱ - بجهت املاکیکه تقاضاً ثبت آنها نشده دولت بایستی از تاریخ تأسیس شرکت بوسیله آگهی های متعدد که مأمور ابلاغ آنها اداره ثبت اسناد و املاک هر محلی خواهد بود و همچنین بوسیله جرائد مرکز و سایر شهرهای کشور مردم را مستحضر و ملزم نماید که تقاضاً ثبت املاک خود را بدون پرداخت کمترین هزینه حق الثبت در مدت يك سال خورشیدی بنمایند -

۲ - در مورد املاکیکه دعاوی آنها در محاکم صالحه باقی است و یا املاکیکه پس از تأسیس شرکت در بین مردم مورد دعوی قرار میگیرد دولت بایستی بکلیه مراجع صالحه اکیداً دستور دهد که تمام دعاوی مزبور را در مدتی که از سه سال خورشیدی تجاوز ننماید خاتمه دهند .

ماده ۱۱ - املاکیکه بشرح بند ۱ از ماده فوق پس از انتشار آگهیهای دولت و انقضاء مدت يكسال از طرف هر يك از صاحبان آنها اصالة یا وكالة ولایة یا قیمومة تقاضا ثبت آنها نشود ملك دولتی شناخته گردیده و اعتراض احدی بعداً بهیچوجه بر دولت راجع بآنها پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۲ - اداره ثبت اسناد و املاک و هر يك از شعبه تابعه آن موظفند که هر گاه دعوی ملاکی کلاً خاتمه یابد و یا از طرف کسی یا کسانی تقاضا ثبت ملاکی بشود و پس از طی تشریفات و جریان قانونی معارضی

از هرحیث نداشته باشد بلافاصله مشخصات کامل آنرا از هرجهت تنظیم
وبدفتر نخست وزیری ارسال دارند؛

ماده ۱۳ دولت موظف است آمار املاک هر استانی را که بشرح
مواد ۱۱ و ۱۲ مالکین آنها شناخته گردیده بکارشناسان تقویم املاک
آن استان تسلیم نماید

ماده ۱۴ - کارشناسان موظفند املاکی را که بشرح ماده فوق آمار آنها
را از دولت دریافت مینمایند بازرسی و تقویم نموده و با رعایت ماده
۸ و تبصره ۱ و ۲ آن ماده بلافاصله آمار آنها را بدفتر شرکت
ارسال دارند .

باب دوم در تکالیف و وظائف شرکت و بعضی از امور مربوطه بآن

ماده ۱۵ - شرکت مکلف است از روی دفاتریکه کار شناسان تقویم املاک آمار املاک کشور اعم از املاک دولت و موقوفات و سایر مردم ایران را بشرح ماده ۸ و تبصره ۱ و ۲ آن - ماده تسلیم به آن مینمایند با رعایت استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک و مشاهده اوراق و اسناد مالکیت هر ملک و با رعایت تبصره های ذیل سهام دولت و موقوفات کشور و سایر مردم ایران را که هر سهمی دویست و چهل هزار ریال خواهد بود تعیین نماید .

تبصره ۱ - چنانچه ملک نزد کسی ر یا بنگاهی درگرو باشد شرکت بایستی بدهی قانونی مدیون را از قیمت تعیین شد آن کسرو طالب دائن را بعهده بگیرد .

تبصره ۲ - چنانچه ملک در اجاره کسی یا بنگاهی بوده و موجر تمام یا قسمتی از مال الاجاره آنرا قبلا از مستأجر دریافت نموده باشد شرکت بایستی عادلانه از قیمت آن ملک کسر نموده و حق مستأجر را بعهده بگیرد .

تبصره ۳ - راجع بملکی که صلح شرطی شده حق مصالح و متصالح قابل رعایت بوده و شرکت بایستی آنرا عادلانه حل نماید.

ماده ۱۶ - چنانچه ملکی که شرکت از بابت قیمت آن سهم یا سهامی را بمالك آن خواهد داد در اجاره کسی یا بنگاهی باشد آن اجزه فوراً بلا اثر بوده و کلیه قرار داد های بین موجر و مستأجر در مورد آن ملك از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۷ - کلیه اوراق سهام را که شرکت بدولت و مردم خواهد داد بایستی بامضاء مبارك اعلى حضرت همایونی و رئیس مجلس شورایملی و نخست وزیر رسیده باشد.

تبصره - شرکت باید اوراق سهام املاك موقوفه را اعم از وقف عام یا وقف خاص بمتولیان شرعی و قانونی آن املاك تسلیم نماید.

ماده ۱۸ - سهام شرکت محدود بدی نبوده و در هر زمان دولت یا هر فردی از افراد ایرانی و یا کسیکه شش سال قبل از تأسیس شرکت رسماً تبعیت ایران را قبول نموده بخواهد در مقابل پرداخت جواهرات و طلا و نقره و ریال کاغذی و همچنین اجناس ذیقیمت دیگر هر مقدار سهم یا سهام شرکت را بدست آورد شرکت مکلف است که تقاضای متقاضی را پذیرفته و باندازه پول نقد یا قیمت اجناسی که بآن تحویل میشود سهمیه می را بخیریدار واگذار نماید.

ماده ۱۹ - فروش و انتقال سهام شرکت بهر نحوی از انحاء برای

کلیه دارندگان سهام ممنوع و بلااثر بوده و شرکت مکلف است کسی را ذیسم در شرکت بدانند که مستقیماً سهمیه می را باو واگذار نموده است.

ماده ۲۰ - هر کس از دارندگان سهام شرکت فوت نماید سهمیه او در شرکت پس از انجام انحصار وراثت و اخذ گواهی از دادگاه مربوطه بوراث شرعی او منتقل خواهد شد.

ماده ۲۱ - هرگاه فردی از صاحبان سهام شرکت به تبعیت یکی از دول بیگانه درآید و یا بدون امر و اجازه دولت تا مدت یکسال خورشیدی متوالیاً خاک ایران را ترك نماید سهمیه او در شرکت متعلق بدولت خواهد بود.

ماده ۲۲ - شرکت موظف است کلیه مهندسین و دام پزشکان و کارگران ایرانی را باستثناء عده ای که دولت وجود آنها را برای امور خود لازم خواهد داشت در هر زمان بطور دائم استخدام نموده و از آنها بسود کشور استفاده نماید.

ماده ۲۳ - شرکت موظف است افراد بیکار کشور را بفرخور استعداد و توانائیکه هر يك از آنها در امور تولیدی و عمران و آبادی دارند در هر زمان استخدام نموده و آنان را بکارهای لازمه مشغول سازد.

تبصره - در صورتیکه هر يك از افراد بیکار و بی سرمایه کشور بخواهد بکار کشاورزی مشغول شود شرکت موظف است وام

طویل المده ای باو داده و دردهات نوینی که شرح آنها در مواد بعدی خواهد آمد آنرا بکار کشاورزی مشغول سازد .

ماده ۲۴ - شرکت موظف است کلیه چادر نشینان کشور را در دهات نوینی که خواهد ساخت بطریق اجبار ساکن نموده و آنها را بامور کشاورزی وادار و مشغول سازد .

ماد ۲۵ - شرکت موظف است بهر يك از دانشمندان ومهندسين ایرانیكه نظریه و نقشه آنها درامور تولیدی وعمران و آبادی کشور مفید باشد جائزه شایسته و قابل توجهی را اهداء نماید .

ماده ۲۶ - شرکت موظف استكه اختراع هر يك از مخترعین ایرانی را كه برای امور کشور مفید باشد از شخص مخترع خریداری نماید .

ماده ۲۷ - شرکت موظف است حقوق کلیه کارمندان و کارگران خود را قسمی بارعايت عائله و مقام هر يك از آنها قرار دهد كه سه چهارم حقوق هر فردی در هر زمان معیشت او را كاملاً تأمین و تضمین نماید .

ماده ۲۸ - ملكی را كه شرکت درقبال قیمت آن بشرح ماده ۱۵ رعایت تبصره ۱ و ۲ و ۳ آن ماده بصاحب آن ملك از سهام نا محدود خود خواهد در اختیار شرکت بوده و شرکت بایستی از آن بهره برداری نماید .

تبصره - املاکی كه بتصرف شرکت در می آید اسناد مالكیت

آنها از درجه اعتبار ساقط بوده و شرکت بایستی آن اسناد را تحویل گرفته و نابود نماید.

ماده ۲۹ - از تاریخ تأسیس شرکت کلیه صادرات و واردات کشور در انحصار شرکت بوده و هر کس غیر از شرکت هر نوع جنسی را صادر و یا وارد نماید در حکم قاچاق است و شرکت موظف است که بمعیت دولت آنرا بنفع خود ضبط نماید.

تبصره - خریداری کارخانجات و آلات و ادوات جنگی به جهت ارتش شاهنشاهی ایران ازوظائف خاص دولت میباشد.

ماده ۳۰ - شرکت میتواند ازتمام معادن ایران بدون پرداخت کمترین وجه حق الامتیاز بدولت درهرزمان بسودخود استفاده نماید.

ماده ۳۱ - شرکت میتواند از در آمد املاك مزروعی و غیر مزروعی و کارخانجات و معادن کشور کلیه حقوق کارمندان و کارگران خودرا پرداخت نماید.

ماده ۳۲ - شرکت میتواند کلیه ریال کاغذی را که مردم برای خرید سهام بآن خواهند داد باده درصد از کل در آمد املاك مزروعی و غیر مزروعی و کارخانجات و معادنی را که در اختیار خواهد داشت هرساله بمصرف عمران و آبادی کشور برساند.

ماده ۳۳ - درهرزمان که شرکت مقتضی بداند میتواند مقداری از جواهرات و طلا و نقره میرا که از راه فروش سهام جمع آوری

خواهد کرد بدول و کمپانیهای خارجی فروخته و بجای قیمت آنها کار خانجات، لازمه و آلات صنعتی و کشاورزی خریداری و وارد نماید ؛

ماده ۳۴ - شرکت موظف است که زراعت تمام دهاتی را که بشرح مواد آتیہ الذکر در کشور خواهد ساخت مکانیزه نماید .

ماده ۳۵ - شرکت میتواند بسیاری از کار خانجات موجوده در کشور را با کارخانه هائیکه بعداً از ممالك خارجه خریداری و وارد خواهد نمود در هر يك از نقاط کشور که تمرکز آنها را لازم بداند متمرکز سازد .

ماده ۳۶ - شرکت مکلف است بسیاری از اشیاء مورد نیاز دولت و ملت ایران را که تهیه آنها فعلاً در داخله کشور ممکن نیست در مقابل محصولات و اشیاء صادراتی کشور از ممالك خارجه خریداری نموده و آن اشیاء را به ضمیمه محصولات داخلی در فروشگاه هائی که در مرکز و شهرستان ها و سایر نقاط کشور دائر خواهد نمود در دسترس خریداران بگذارد .

ماده ۳۷ شرکت موظف است که همواره مواد خوار و بار مورد نیاز دولت و شهر نشینان را بمرکز و سایر شهرها و قصبات حمل نموده و بقیمت عادله و ثابت آن اجناس را بفروش برساند .

ماده ۳۸ - اشیاء خوراکی و پوشاکی و سایر اشیاء لازمه را که شرکت بدولت و ملت خواهد فروخت پس از کسر هزینه های متفرقه حق سودی از آنها نخواهد داشت .



باب سوم

دروظائف شرکت نسبت بامور کشاورزان و کشاورزی کشور

ماده ۳۹ - شرکت مکلف است که تدریجا چهار الی پنج هزار دهکده در نقاط مناسب کشور بطوری که هر دهی بنا بقضاء جغرافیائی محل گنجایش ۲۰۱-۳-۴ و پنج هزار نفر را داشته باشد برای سکونت کشاورزان و چادر نشینان و بیکارانیکه میخواهند بامور کشاورزی اشتغال ورزند از نو بنیاد نماید .

تبصره ۱ - هر دهکده نوینی باید از لوازم زندگانی امروزه از قبیل حمام دوش و برق و خیابان و استخر شنا و امثال اینها بر خور دار باشد .

تبصره ۲ - کلیه ساختمانهای نوین هر دهکده علاوه بر رعایت مصالح عالی ساختمانی باید طبق اصول فنی و بهداشتی ساخته شود.

ماده ۴۰ - شرکت مکلف است پس از اتمام کلیه ساختمانهای هر دهکده ای زارعین اطراف آنجا را با رعایت تعداد خانوار و منازل جدید البناء بدهکده نوین کوچانیده و آنها را ساکن نماید .

ماده ۴۱ - شرکت موظف است که پس از سکونت دادن کلیه زارعین و چادر نشینان بیکاران شهر نشینی را که میخواهند بکار

کشاورزی مشغول شوند دردهات نوین خود ساکن نموده و آنها را با امور کشاورزی مشغول سازد.

ماده ۴۲ - منازل را که شرکت در اختیار کشاورزان میگذارد برای آنها بدون کرایه بوده و فقط تعمیرات جزئی منزل هر کسی بعهده او خواهد بود.

ماده ۴۳ - شرکت مکلف است بمنظور راهنمایی کشاورزان باصول علمی کشاورزی و اخذ حق السهم شرکت از کشاورزان و فروش اجناس و آلات لازمه کار بآنها و خریداری مازاد محصولات زارعین و امور لازمه دیگر در هر چند دهکده ای که اقتضای نمایندگی متخصیصین و عاملینی را از طرف خود معین نموده و آنها را بکارهای لازمه مشغول سازد.

ماده ۴۴ - شرکت موظف است کلیه اجناس لازمه پوشاکی و لوازم کار کشاورزی را برای فروش به زارعین همیشه در دهستانها بحد کافی داشته باشد.

ماده ۴۵ - زارعین هر دهکده میتوانند فرداً یا مشترکاً ماشینهای کشاورزی را از شرکت خریداری نموده و قیمت آنها را بطور اقساط پرداخت نمایند.

ماده ۴۶ - شرکت موظف است که برای آشنا نمودن کشاورزان بفنون رانندگی و مکانیکی ماشینهای کشاورزی متخصیصینی را بدهات اعزام دارد که با معیت مأمورینی که در آن نقاط خواهد داشت زارعین را از هر جهت آشنا سازند.

ماده ۴۷ - شرکت موظف است که در کلیه دهات نوین باقتضاء ضرورت بحفر قنوات و ساختن سدها و کندن چاههای آب و ایجاد طرق لازمه پرداخته و بجهت انجام اینگونه کارها از وجود مهندسین و کارگرانی که در اختیار خواهد داشت استفاده نماید.

ماده ۴۸ - شرکت موظف است که اجناس و اشیاء سبک قیمت مورد نیاز کشاورزان را بشرح ماده ۳۶ و ۳۸ بکشاورزان فروخته و قیمت آنها را در هنگام برداشت محصول از زارعین دریافت نماید.

ماده ۴۹ - شرکت موظف است بکشاورزانی که فاقد بنیه مالی هستند وامهای طویل المدتی داده و هیچ گونه ربی را از آنها اخذ ننماید.

ماده ۵۰ - شرکت موظف است که بمنظور کاشت محصولات مفیده مانند غلات و حبوبات و پنبه و چغندر و امثال اینها وجلو گیری از کاشت محصولات مضره از قبیل ترباک و توتون و امثال اینها در آغاز هر فصلی دستورات کاملی به زارعین هر دهکده ای ابلاغ نماید.

ماده ۵۱ - هر زارعی که بر خلاف برنامه شرکت محصولی را کشت نماید شرکت حق آنرا خواهد داشت که با هزینه زارع آن کاشته را نابود سازد.

ماده ۵۲ - دفع آفات نباتی و معالجات امراض حیوانی در کشور بمعهده شرکت بوده و شرکت موظف است که هزینه آنها را از بودجه عمرانی کشور بشرح ماده ۳۲ تأمین و مصرف نماید.

ماده ۵۳ - شرکت موظف است قیمت هر نوع جنس و محصول صادراتی را که کشاورزان تولید و تهیه مینمایند در هر ششماه یک

مرتب به با رعایت نرخ بین المللی بجهت اطلاع کشاورزان آگهی نموده و بتمام دهات کشور ابلاغ نماید .

ماده ۵۴ - شرکت موظف است انواع مازاد محصولات زارعین را مطابق نرخ واقعی از آنان خریداری نماید .

ماده ۵۵ - شرکت موظف است که در هر دهکده ای از دهات نوین جایزه شایسته ای را بکشاورزی که بیش از سایر همکارانش بانظر گرفتن اندازه اراضی تولید محصول نموده و یا حیوانات مفیده ای را بهتر از سایرین پرورش داده اهداء نماید .

ماده ۵۶ - حق السهم شرکت از زراعت زارعین در تمام نقاط کشور عبارت خواهد بود از $\frac{1}{4}$ از تمام محصولات روئیدنی و بغیر از این شرکت حق گرفتن هیچگونه جنس یا وجه نقدی را از زارع ندارد .

باب چهارم

در وظیفه شرکت نسبت بامور زندگانی کارگران و موارد مختلفه دیگر

ماده ۵۷ - شرکت موظف است که در جوار هر يك از معادن کشور که تصمیم باستخراج آن خواهد گرفت و یا نقاطی را که بجهت تمرکز کارخانجات تعیین مینماید ساختمانهایی را برای سکونت کارگران و کارمندان خود طبق اصول فنی و بهداشتی بنیاد نموده و آنها را با رعایت تعداد عائله در آن منازل سکونت دهد.

تبصره ۱ - محل سکونت کارمندان و کارگران شرکت بایستی لوازم ضروریه زندگانی را بشرح تبصره ۱ از ماده ۳۹ دارا باشد.

تبصره ۲ - کارمندان و کارگران شرکت از پرداخت کرایه خانه شرکت معاف بوده و فقط تعمیرات جزئی منزل هر کسی بعهده او خواهد بود.

ماده ۵۸ - شرکت موظف است که مواد خوراکی و پوشاکی و مواد لازمه دیگر را با رعایت مواد ۳۶-۳۷ و ۳۸ در تمام مراکز کارگری در معرض فروش بگذارد.

تبصره - فروشگاههای شرکت بایستی همیشه از بامداد تا شام برای رفع احتیاج کارگران مفتوح باشد.

ماده ۵۹ - شرکت موظف است ساعت کار کارگران و کارمندان و ایام مرخصی آنها را طبق آئین نامه های خاصی باقتضاء فصول سال تعیین نماید .

ماده ۶۰ - شرکت موظف است که برای بازرسی و رسیدگی به وضعیت بین کارمندان خود با کارگران و کشاورزان و سایر امور لازمه دیگر اشخاص صالح و بصیری را بطور دائم استخدام نماید .

تبصره - اشخاص مذکور در ماده فوق موظفند که همواره حقیقت اوضاع را پس از بازرسی دقیق یادداشت نموده و جریان امور را مرتباً بدفتر کل شرکت گزارش نمایند .

ماده ۶۱ - چنانچه فردی از کارمندان شرکت باموری از قبیل دزدی و اخذ رشوه و اتلاف مالیه شرکت و تسامح در امریکه بضرر شرکت باشد متهم گردد و متهم در نظر شرکت مجرم شناخته شود شرکت بایستی فوراً آنرا از شغل خود منفصل نموده و مدارك جرم آنرا بدادگاه مربوطه تحویل نماید .

ماده ۶۲ - در صورتیکه در نظر هیئت نظار شرکت معلوم گردد که فردی از افراد هیئت رئیسه و مدیره شرکت عملی برخلاف مصالح شرکت نموده و یا تعلل و تسامحی در اجراء برنامه آن دارد هیئت نظار با اکثریت میتواند آنرا از کار برکنار نمایند .

ماده ۶۳ - هرگاه فردی از هیئت رئیسه و مدیره شرکت بشرح ماده فوق از کار برکنار شود و یا کسی از آن عده فوت نماید تعیین جانشین او بنحوی است که در بند الف و بند ب ماده دوم ذکر گردید .

تبصره - تعیین حقوق اعضاء رئیسه و هیئت مدیره شرکت با هیئت
نظار است .

ماده ۶۴ - شرکت ملزم و موظف است که در آخر هر سال خورشیدی
عایدات و مخارج خود را از هر جهت تعیین و آگهی نموده و منافع خالص
خود را پس از کسر مالیات دولت و حقوق کارمندان و کارگران و هزینه
عمران و آبادی و غیره بین دارندگان سهام تقسیم و سود ویژه هر صاحب
سهمی را در مقابل اخذ رسید تسلیم نماید .

ماده ۶۵ - تسلیم بمواد و مقررات شرکت برای کلیه ملت ایران
و کسانی که تابع دولت شاهنشاهی هستند الزامی بوده و هر فردی از
افراد کشور کتباً یا عملاً مخالفتی با اجراء قوانین آن بنماید در حکم
کسی است که باستقلال مملکت و جامعه ایرانی خیانت نموده باشد .



باب پنجم

دراموری که پس از تشکیل شرکت از تکالیف و وظائف دولت میباشد

ماده ۶۶ - دولت مکلف است بهر میزان و بهر نحوی که مصالح کشور اقتضاء نماید مالیات عادلانه خود را هر ساله از کل درآمد شرکت از شرکت سهامی وصول نماید .

ماده ۶۷ - هر اندازه که در طول سال از املاک واقع در کشور اعم از املاک مزروعی و کارخانجات یا غیر آنها بتصرف شرکت در آید بهان نسبت دولت بایستی از وسعت وزارت دارائی کاسته و اعضاء آنرا تقلیل دهد .

ماده ۶۸ - دولت مکلف است که ادارات گمرک و غله و نان دخیانیات را پس از تشکیل شرکت و بجریان افتادن برنامه آن در هنگام مقتضی منحل نماید .

ماده ۶۹ - در صورتیکه تمام املاک ایران در اختیار و تصرف شرکت قرار گیرد دولت بایستی بلافاصله وزارت دارائی را منحل نماید .

ماده ۷۰ - دولت مکلف است که پس از مدت سه سال از تاریخ تأسیس شرکت در تشکیلات وزارت دادگستری و قوانین محاکماتی کشور اعم از حقوقی و جزائی تجدید نظر کامل نموده و شالوده آنرا طوری قرار دهد که با احتیاجات دولت و ملت تطبیق نماید .

ماده ۷۱ - دولت مکلف است که پس از مدت سه سال خورشیدی از تاریخ تأسیس شرکت اداره ثبت اسناد را منحل نماید.
تبصره - دفاتر عقد و طلاق همچنان بحال خود باقی و تابع وزارت دادگستری خواهد بود .

ماده ۷۲ دولت موظف است که در هر پنج دهکده از دهات و در هر يك از شهر های صنعتی که شرکت آنها را خواهد ساخت يك دفتر ازدواج و طلاق دائر و برقرار نماید.

ماده ۷۳ - دولت مکلف است اداره ژاندار مری را در هر زمانی که وضع داخلی کشور اقتضا نماید بطور کلی منحل سازد.

ماده ۷۴ - دولت مکلف است که وزارت کار و تبلیغات و همچنین وزارت پیشه و هنر را در هر زمان که مقتضی بشود منحل نماید .

ماده ۷۵ - دولت مکلف است تمام وجوهائی را که در بانکهای کشور دارد برای خرید سهام از شرکت در مدت کوتاهی تدریجاً تحویل شرکت نموده و بانکها را منحل سازد .

ماده ۷۶ - دولت میتواند در هر يك از دهات و شهر های نوین شرکت اراضی را برای ایجاد مدارس و بیمارستان و مؤسسات لازمه دیگر مجاناً از شرکت تحویل بگیرد .

ماده ۷۷ - دولت موظف است که در تمام دهات و شهر های نوینی که شرکت آنها را خواهد ساخت تعلیمات عمومی را مجاناً بشرح زیر عملی سازد .

الف - ساختن و دائر نمودن یک باب دبیرستان مدرسه شش کلاسه در هر يك از دهات .

ب - ساختن و دائر نمودن یک باب دبیرستان در هر ده دهکده از دهات .

ج - بوجود آوردن مؤسسات فرهنگی و فراهم نمودن وسائل تحصیل مردم را در هر يك از شهر ها باقتضاء جمعیت هر شهری
د - ایجاد نمودن يك دانشگاه علوم را در هر يك از استانهای کشور .

ماده ۷۸ - دولت موظف است برنامه دروس و تعلیمات فرهنگی را با احتیاجات کشور و مقتضیات زمان وفق داده و آنرا اجراء نماید.

ماده ۷۹ - دولت مکلف است تمام پزشکان فارغ التحصیل ایرانی را باضافه طبیب مجاز ها و اطباء دیگری که حد اقل پنج سال خورشیدی در کشور ایران بامر طبابت اشتغال داشته اند بطور دائم استخدام نموده و هر يك از آنها را مأمور نقطه می از نقاط کشور نماید.

تبصره - طبائمی که تابع دولت شاهنشاهی ایران نیستند مشمول ماده فوق نخواهند بود .

ماده ۸۰ - دولت مکلف است وسائل بهداشت و معالجه امراض مردمان کشور را در دهات و شهرهای نوینی که شرکت خواهد ساخت مجاناً بشرح زیر عملی سازد .

۱ - برقرار ساختن یک نفر پزشک فارغ التحصیل و یا طبیب مجازی که اقلاً ده سال بامر طبابت در کشور اشتغال داشته و دائر نمودن

داروخانه لازمه را در هر يك از دهات .

۲ - ساختن ودائر نمودن يك بیمارستان پنجاه تختخوابی در هر ده دهكده از دهات بطوریکه از طبیب و جراح و كچال و دندانپلاز و ماما و داروخانه لازمه برخوردار و تمام آلات و اذوات لازمه مجهز باشد.

۳ - موجود نمودن وسائل تدای بیماران را در هر يك از شهر ها باقتضاء هر يك از آن نقاط

ماده ۸۱ - دولت مكلف است برای رفع احتیاجات عامه كودكستانهای را در دهات و شهرهای نویی كه شركت خواهد ساخت بشرح زیر دایر نماید.

۱ - ساختن ودائر نمودن يك باب كودكستان در هر پنج دهكده از دهات

۲ - ساختن ودائر نمودن يك باب كودكستان در هر يك از شهرها تبصره - كودكستانهای هر نقطه می از نقاط فوق بایستی با رعایت تعداد جمعیت هر محلی ساخته گردیده و از جمیع لوازم ضروریه برخوردار باشد.

ماده ۸۲ - دولت مكلف است آسایشگاههای كامل و زیبائی را بجهت كسانیکه بعلت پیری یا علل مزاجی دیگر توانائی هیچگونه كاری را ندارند در چندین نقطه از نقاط خوش آب و هوای كشور ایجاد نموده و از تمام آنها مجاناً نگاهداری نماید .

تبصره - اشخاصیکه دارای ثروت كافی بوده و معیشت آنها تامین است مشمول ماده فوق نخواهند بود

ماده ۸۳ - بناهاییكه دولت در دهات و شهرهای نویی شركت بوجود خواهد آورد بایستی از هر جهت طبق اصول فنی و بهداشتی بوده و با مصالح عالی ساخته شود .

ماده ۸۴ - دولت موظف است تمام دهانت او شهرهای نوینی را بکمشرکت بخواند ساخت. بوسیله ایجاد طرق آسفالته بهم مربوط نموده و خرابی طرق مزبور در هر زمان مرمت نماید.

ماده ۸۵ - دولت مکلف است استعمال تریاک و توتون و مشروبات الکلی و سایر مواد مضره را که استعمال آنها مخالف با اصول بهداشت و شریعت اسلام است اکیداً در سراسر کشور قدغن نموده و مؤسسات آنها را از بین ببرد.

ماده ۸۶ - دولت مکلف است حقوق مستخدمین خود را قسماً با رعایت عائله و مقام هر يك از آنها قرار دهد که سه چهارم حقوق هر فردی در هر زمان معیشت او را از هر جهت تضمین نماید.



این بود مولود یا پرورده می که با عدم بضاعت علمی آنها برای نجات کشور از گیرند حوادث جهان و همچنین بمنظور بقاء سلطنت و قدوت و سعادت دولت و جامعه معمر مایرانی تدوین نموده و به پیشگاهندگان اعلی حضرت همایونی تقدیم داشتم و اینک چون خاتمه عرایض فنوی است و بقدر کافی هم از اوضاع وقت بلاد کشور و علل فسادهای داخلی بحث نموده و ضمناً راه علاج دردها را هم که عبارت از تشکیل چنین شرکتی میباشد، عرض رسانده ام و دیگر نمایان بشکری از مطالب مذکور نداشته و فقط از نظر وطنخواهی و شاهدوستی مطلبی را که بایستی به عرض رسانم این است که امروزه کشور ما در تحت شرایطی قرار گرفته که جز معدودی از سالگین این روزمین که در خواب غفلت فرو رفته اند و به آسانی هم نمیتوان آنها را از این خواب سنگین بختاورنده بقیه سالکین

موسرهایه داران کشور اجراء بر نامه مزبور را بطور قطع و یقین از جلالت و دل
خیریدار بوده و آنرا قبول خواهند کرد زیرا بدی اوضاع داخلی که
اکثر ملت را در شکنجه گذاشته از یکطرف و بیم حوادث خارجی از طرف
دیگر زمینه را برای قبول يك تغییر و تحول صحیحی آماده نموده و چون
امور عالم مرهون باوقلات است و زمینه اجراء این امر هم از هر جهت
مساعد است شایسته است که بدون فوت وقت از این موقعیت بی نظیر
استفاده نموده و نگذاریم این فرصت گرانبها که بدون جنگ و خونریزی
داخلی نصیب ما گردیده برایگان از دست برود چه ممکن است که
که انگر با سرعت بوقت این نقشه مورد کشور ما اجراء نگردد تحولات گوناگون
جهانی مجبلا اجراء آنرا در آتیه بیاورد و دیگر هیچ قیمتی نتوانیم آن
را عملی نماییم .. در هر حال امیدوارم که این طرح پیشنهادی که با خلوص
نیت فراوان تنظیم گردیده و یگانه راهیست که ما را در اندك زمانی
بسر منزل مقصود میرساند مقبول طبع بندگان اعلی حضرت شهر یاری واقع
گردد و با فروغ رای والای شاهنشاه و تدبیر و موافقت دولت و مجلسین
آیران هر چه زود تر بمصوب رسیده و بموقع اجرا گذارده شود

زنده و پاینده باد شاهنشاه

جاوید باد استقلال و عظمت کشور

فدوی - علی محمد خزاعی

چهارم اردیبهشت ماه هزار سیصد و سی و خورشیدی



کتاب

فلاط نامه

صفت	سطر	غلط	صحیح
۶	۹	مانده	مانده
۶	۱۲	اخیر	اخیر
۷	۱۶	درد	درد
۸	۱۷	که هم	هم که
۱۰	۶	معیش	معیش
۱۱	۱۹	ودزدی	فزدی
۱۸	۱۴	پنجاه هزار	دویست و پنجاه هزار
۲	۱۳	برای گرفتن	برای فرا گرفتن
۲۶	۱۳	سه ماه مالک	سه ماه کار مالک
۲۸	۶	دام پرور	دام پروری
۴۸	۲	دارای وحدت	دارای روح وحدت
۴۸	۱۲	موجب ناامنی	موجب اشاعه نا امنی
۶۴	۱۳	از قمت	از
۸۲	۳	مزبور	بور را
۸۳	۴	کردد	کردد



آقای علی محمد خزاعی
نویسنده کتاب